

تصویر فصل



مدرسه کاغذی



کرونا و کودک کار

عکس از رضا کیانی | خوزستان، شهرستان ایذه | خرداد ۱۳۹۹



مدرسه کاغذ

فصلنامه دانشجویی مدرسه کاغذی | دانشگاه فرهنگیان | سال اول | شماره اول | خرداد ۹۹
صاحب امتیاز: بسیج دانشجویی دانشگاه فرهنگیان ایلام

هیئت مدیران مسئول	نیما رنجبریان، زینب سادات رازی
سر دبیر	امیر کرمی امین
کارگروه سیاسی	محمدصادق صفری پور، مریم قاسمی
کارگروه فرهنگی	رضا مفتاحی، محمد بیگلری، فاطمه راحمی
کارگروه علمی - پژوهشی	فاطمه رحمتی، مریم ابراهیمی، الهام امایی
طراحی جلد و صفحه آرایی	محمدسعید امیری
رسانه	رضا کیانی
ویراستار	امیر کرمی امین

چند نکته

۱. هدف مدرسه‌ی کاغذی، روشنگری و آگاهی‌بخشی به قشر دانشجو و همچنین ارتقای سطح سواد اجتماعی است.
۲. از مطالب، مقالات، نظرات و انتقادات همه‌ی دانشجویان در سراسر کشور استقبال خواهد شد.
۳. رویکرد نشریه فراجناحی می‌باشد، لذا مطالب آن به طرفداری از فرد یا جناحی خاص نمی‌باشد و اطمینان داده می‌شود مطالب بدون سانسور چاپ خواهند شد.
۴. پس از مطالعه نشریه، با هدیه دادن آن به دیگران، مروج فرهنگ باشید.

نشریه دارای اسماء متبرکه است و حفظ حرمت آن بر عهده خواننده می‌باشد.



@BDF_Admin



@MDRSEH



@BDF_ILAM



@BDFILAM

سخن مدیرمسئول

با سلام و احترام و آرزوی سلامتی برای تمامی شما مخاطبان نشریه مدرسه کاغذی امروز که به فضل الهی شاهد انتشار اولین شماره از اولین نشریه بسیج دانشجویی دانشگاه فرهنگیان ایلام هستیم، از تمامی بسیجیان و دست‌اندرکاران و همه عزیزانی که به هر نحو در انتشار این نشریه سهیم بودند، کمال تشکر را داریم.

امیدواریم این امر نقطه شروعی دوباره باشد بر عرصه فعالیت‌های فرهنگی در پردیس‌های استانی دانشگاه فرهنگیان ایلام همچنین تمامی مدارس سطح استان.

توفیقی روزافزون خواهیم برای تمامی فعالان جامعه‌ی فرهنگی کشور. انشالله.

ادامه دارد....

نیما رنجبریان، زینب‌سادات رازی

سخن سردبیر

ن وَالْقَلَمِ وَ مَا يَسْطُرُونَ

درود؛

بی‌شک یکی از مهم‌ترین دست‌آوردهای امروز دانشگاه فرهنگیان ایلام، همچنین جامعه‌ی معلمان استان ایلام، انتشار نشریه‌ای با چاپ منظم، بصورت فصلنامه می‌باشد.

نشریه‌ی حاضر با همکاری و زحمات گروهی از دانشجویان دانشگاه فرهنگیان ایلام، که هم از نظر علمی و هم قلمی، افرادی ممتاز در بین هر دو پردیس استانی هستند، در اختیار تشنگان علم و فرهنگ قرار گرفته است. فصلنامه موجود در سه موضوع کلی (سیاسی، علمی و فرهنگی) به رشته تحریر درآمده است. در هر یک از موضوعات سعی بر این بوده که، مسائل و مباحث مربوط به آن قسمت که در جامعه پرتنش و پررنگ است به شیوه‌ای جدید از دیدگاه هیئت تحریریه مورد بررسی و تحلیل قرار بگیرد.

از آنجا که مخاطبان اصلی نشریه قشر دانشجو و فرهنگیان جامعه می‌باشند؛ فلذا از تمامی دانشجویان و فعالان فرهنگی، سیاسی و اقتصادی و همچنین اساتید دعوت می‌شود که با ارسال مطالب پرمایه‌ی خود، نشریه ما را شماره به شماره غنی‌تر نمایند.

اینک به لطف الهی اولین شماره نشریه‌ی مدرسه کاغذی انتشار می‌یابد. امید است که با حمایت‌های شما عزیزان شاهد پیشرفت نشریه مدرسه کاغذی در شماره‌های آتی باشیم.

امیر کرمی‌امین

فهرست مطالب

سیاسی		۱۳	مقایسه سیستم آموزشی ایران و فنلاند
۳	مجلس	۱۴	صلح را بروی بال تو می‌نویسم!
۴	معلم و سیاست؟!	۱۵	آوای کوهستان
۵	سقوط!		فرهنگی
۶	توثیت گردی	۱۷	نگاهی به کتاب جدال دو اسلام
	علمی - پژوهشی	۱۸	چارقد
۷	علم، قرآن، طبیعت	۱۹	جنت الاعلی
۸	اختلاف طبقاتی این بار از جنس واژگان	۲۰	یه رکاب، یه زندگی سالم
۹	روش‌های نوین تدریس: یادگیری فاصله‌دار	۲۰	مسجدی تاریخی در دل کویر
۱۰	علمونا ویروس	۲۱	لحظه‌های ناب وصال
۱۱	سیری در مقالات: شکار مغزها	۲۱	نوای دل
۱۲	"از تخته سیاه تا تخته هوشمند"	۲۲	کاریکاتور

مجلس

معنی سنگ اندازی و مخالفت نیست بلکه مجلس باید بیشترین همکاری را با دولت داشته باشد و موانع اجرایی شدن طرح‌ها و پروژه‌های چه روی کاغذ و چه در میدان عمل بردارد و دولت رادر این مدت کم باقی مانده یاری کند، تا حداقل به بخشی از وعده‌های عمل نشده‌اش را جامه عمل بپوشاند.

مجلس و تولید

یکی از کارآمدترین راه‌ها برای رهایی از فشار تحریم و بهبود وضعیت معیشت مردم، تحقق شعار سال یعنی جهش تولید است. مجلس یازدهم باید در این راستا باید موانع سر راه تولید کنندگان را مرتفع کند:

- اصلاح نظام بانکداری که پا را بر گلوی تولید کننده گذاشته
- اصلاح قوانین و نظام مالیاتی کشور
- کنترل و نظارت جدی بر واردات کشور
- التزام دولت به حمایت از تولیدکنندگان

البته این چنینی موانع در صورتی رفع می‌شوند که اعضای کمیسیون اقتصادی مجلس یازدهم برخلاف دوره قبل اقتصاددان باشند.

مجلس و ۴/۸ میلیارد دلار

بنابر بر گزارش دیوان عدالت اداری در سال ۹۷ قریب به ۴.۸ میلیارد دلار ارز دولتی گم شده‌است. رقمی بزرگ که در هر حوزه‌ای سرازیر شود، پیشرفت و توسعه را برای آن به ارمغان می‌آورد.

رقم آنقدر بزرگ است که به قول دوستی اگر ما هر ثانیه یک دلار گم کنیم ۱۵۰ سال طول می کشد تا این مقدار گم شود. مجلس یازدهم هم باید پیگیر باشد، که این مقدار در کجا و توسط چه افرادی حیف و میل شده، و هم ساز و کاری ترتیب دهد تا دیگر شاهد اتفاقاتی از این قبیل نباشیم.

”هر چند مسولیت و چالش های بسیاری پیش روی مجلس است اما امیدواریم مجلس یازدهم که ترکیبی از جوان های متخصص و پر انرژی و بزرگان با تجربه و کاردانش بتواند در این اوضاع به تکیه گاهی مطمئن برای رهبری و ملت و همکاری امین و دلسوز برای دولت باشد“

بعد از کش و قوس های فراوان انتخابات مجلس یازدهم برگزار شد. انتخاباتی که در سایه رخدادها و حواشی زیادی برگزار شد. تحریم‌ها و تهدیدات خارجی علیه نظام، مشکلات معیشتی و اقتصادی، فضای پسا شهادت حاج قاسم، اجرای سقوط هواپیمای مسافربری و کرونا از حوادث این برهه بودند.

نتایج انتخابات بیانگر نه بزرگ مردم، به مجلس دهم و تفکر غالب بر آن بود. که مسبب آن عملکرد ضعیف دولت و بویژه مجلس بود، مجلسی که امام(ره) آن را عصاره فضائل ملت خواند، در دوره دهم آنطور که باید و شاید به وعده‌هایی که به مردم، نظام و رهبری داده بودند، عمل نکردند و همین امر لقب ضعیف‌ترین مجلس تاریخ انقلاب در اذهان عموم به آنان نسبت داد؛ مجلسی که حاصل تکرار بود، نه شایسته سالاری جز سلفی حقارت با موگرینی، عدم نظارت بر دولت و دستگاه‌های اجرایی عوایدی برای ملت نداشت. با همه کم و کاست و ضعف‌ها مجلس دهم به کار خود پایان داد و نوبت به مجلس یازدهم و منتخبانش رسید.

مجلسی که چالش‌های متعددی پیش‌رو دارد و باید آبرویی که از بهارستان رفته، دوباره برگرداند و مجلس را در نگاه مردم دوباره ارج و قرب ببخشد و بیش از این نگذارد توصیه‌ها و فرامین رهبری بر زمین بماند. مهم‌ترین چالش‌ها و مسئولیت‌ها که در کوتاه مدت و بلند مدت مجلس با آن دست و پنجه نرم می‌کند عبارت است از:

مجلس و تکیه به توان داخلی

تاریخ چهل ساله انقلاب ما گواه این بوده که، هر وقت که چشمان به داخل بوده و به جوان ها و سرمایه‌های ملت تکیه کردیم در هر زمینه‌ای نتیجه گرفته‌ایم، خواه هوا و فضا باشد خواه نانو باشد و یا هسته‌ای و پزشکی.

مجلس باید دوباره این نگاه را احیا کند و شرایطی بوجودآورد که دولت و مردم به‌جای نگاه و امید داشتن به غرب، به دانش و استعداد و غیرت جوان‌های خودش تکیه کند.

و عرصه را برای حضور شرکت های دانش بنیان و جوان های با استعداد و مخلصش آماده کند و موانع را از سر آن ها بر دارد

مجلس و دولت

هر چند که انتظار ملت این است بر خلاف دوره‌ی قبل نظارت مجلس بر دولت جدی و محکم باشد و اگر خدای ناکرده دولت در زمینه‌ای دچار خطا شد، خطایش را گوشزد کند اما این نظارت به

معلم و سیاست؟!

بدون شک موفقیت و پیشرفت جوامع در تمامی ابعاد به چگونگی و کیفیت نظام آموزش و پرورش و تعلیم و تربیت آن جامعه بستگی دارد. و در رأس این نظام، معلم؛ اصلی‌ترین و مهم‌ترین نقش را ایفا می‌کند.

در نتیجه کسب دانش و مهارت برای فهم و انتقال مفاهیم به نسل آینده‌ساز، در تمامی ابعاد علمی و آموزشی، فرهنگی، اخلاقی، هنری، اقتصادی، اجتماعی و البته سیاسی و مدنی لازم و ضروری است.

"از این رو در عصر حاضر و باتوجه به اینکه جامعه نیازمند انسان‌های آگاه، حساس به مسائل جامعه، متعهد و پایبند به ارزش‌های انسانی و دینی است؛ نظام تعلیم و تربیت رسمی باید مطابق با این الزامات به پرورش معلمانی بپردازد که با داشتن همه‌ی این ویژگی‌ها بتوانند نقش بسزایی را در جامعه و نسل‌های جدید ایجاد نمایند و امکان رشد شخصیت افراد را در ابعاد مختلف از جمله بعدسیاسی و اجتماعی به نحو شایسته‌ای فراهم سازند." (دلقدی، ۱۳۹۴)

ارسطو در این باره می‌گوید: در میان تمام چیزهایی که بیان کرده‌ام، آنچه بیشترین سهم را در دوام و قوام قوانین دارد، سازگاری آموزش و پرورش با نوع دولت است و این چیزی است که جهانیان از آن غافل هستند. بهترین قوانین نیز حتی اگر توسط تمام افراد جامعه هم معتبر و مشروع دانسته شود، در صورتی ارزش و اعتبار خواهند داشت که به وسیله‌ی آموزش و پرورش به نسل جوان آموخته شوند و آموزش و پرورش نیز باقوانین مزبور تطابق داشته باشند. (جی اسمیت، ۱۳۷۰)

طبق گفته‌ی محققان برخورداری از تحصیلات رسمی بالاترین تأثیر را بر نگرش‌های سیاسی دارد و هیچ متغیر دیگری در تعیین نگرش‌های سیاسی با متغیر آموزش و پرورش قابل مقایسه نیست. (جامعه‌شناسی آموزش و پرورش، علاقه‌بند، ص ۷۴)

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای با اشاره به قدمت برنامه‌های فرهنگی استعمارگران فرموده‌اند: متفکران غربی بارها گفته‌اند که به جای کشورگشایی‌های استعماری قرن نوزدهم،

بهترین و کم هزینه‌ترین روش، تزریق فکر و فرهنگ خود به نسل جوان کشورها و تربیت زبندگان و نخبگانی است که همچون سربازان نظام سلطه عمل خواهند کرد.

در ادامه فرموده‌اند: باید نوجوانان و جوانان کشور را به گونه‌ای تربیت کنیم که به دنبال سیاست، اقتصاد و فرهنگ مستقل باشند و هرگونه وابستگی در این مسائل مذموم به شمار آید.

رهبرمعظم انقلاب همپنین با اشاره به فرصتی که برای تربیت و تعلیم در اختیار آموزش و پرورش قرار دارد بیان می‌کنند:

این فرصت عبارت است از: آن دوازده سال که کودکان و نوجوانان ما در دوره دبستان و دبیرستان طی می‌کنند. این فرصت، بهترین فرصت برای انتقال ارزش‌ها و انتقال درست و جامع آرمان‌های انقلابی و ملی ما است؛ این فرصت، برای نهادینه کردن هویت ملی در کودکان و مردان و زنان آینده‌ی ما، یک فرصت بی‌نظیری است. هم اندیشه در این دوازده سال شکل می‌گیرد، هم انگیزه شکل می‌گیرد؛ جهت حرکت زندگی – انگیزه‌ها، آرمان‌ها، جهت‌گیری‌ها – در وجود جوان ما و نوجوان ما در همین دوازده سال به برکت حضور در کلاس‌های درس و شنیدن از معلمین شکل می‌گیرد. ببینید این چقدر اهمیت دارد؛ یعنی آینده‌ی کشور مربوط به همین دوازده سال جوانان ماست.

این انتقاد وجود دارد که تربیت سیاسی برای دانش آموزان؛ بالخص دانش‌آموزان دوره ابتدایی لازم نیست و تلاش درجهت انتقال مفاهیم و مهارت‌های علمی، آموزشی، اخلاقی، فرهنگی و اجتماعی در این دوره کفایت می‌کند اما طبق مطالعات انجام شده، در خصوص جامعه‌پذیری اجتماعی و سیاسی نتایج حاکی از آن است که تمایلات و آمادگی لازم برای یادگیری سیاسی تا سن ۱۲ یا ۱۳ سالگی به خوبی در افراد تثبیت می‌شود. این نتیجه نشان دهنده‌ی اهمیت تربیت شهروندی به ویژه تربیت سیاسی در مقطع ابتدایی است. (شارع پور، ۱۳۸۳)

از این رو با توجه به الگوپذیری دانش آموزان از معلم و نقش پررنگ و ثابت شده آن در شکل‌گیری شخصیت کودکان و نوجوانان و البته با در نظر گرفتن شرایط

سیاسی و فرهنگی جمهوری اسلامی و تهاجم فرهنگی که برعلیه تربیت فرزندان آن وجوددارد، لازم است این مهم در مدارس و برنامه‌درسی معلمان در نظر گرفته شود.

اما آنچه که اهمیت دارد میزان توجه دانشگاه فرهنگیان به این موضوع است. مسلماً برای رسیدن به تربیت درست سیاسی و یا هرگونه تربیتی، قبل از هر چیز معلم باید تربیت شود. متأسفانه یکی از مسائلی که دانشگاه فرهنگیان به آن توجه چندانی ندارد؛ سیاست است.

سیاست یکی از ارکان اصلی هر جامعه‌ای است و حفظ یک نظام و البته پیشرفت و توسعه‌ی آن در گرو برخورداری از علم کافی در این خصوص است.

باتوجه به رابطه‌ی تنگاتنگ آموزش و پرورش و سیاست و تأثیر شگرف آن در بلوغ سیاسی و انتظاری که اجتماع از جایگاه و علم معلم دارد، توجه به این موضوع حائزاهمیت است.

تربیت معلم باید معلمان را به عنوان عاملان سیاسی و اخلاقی در جامعه پرورش دهند. افزایش اطلاعات معلم درمورد ساختار سیاسی، افزایش زمینه‌های مشارکت انتقادی معلمان درسیاست‌های آموزشی، بهره‌گیری از مشارکت معلمان در مدیریت مدارس و ادارات آموزش و پرورش و کمک به تشکیل اتحادیه‌های سیاسی و حرفه‌ای برای گفت‌وگوی انتقادی بین معلمان از اهم فعالیت‌های تربیت معلم برای پرورش معلم به عنوان یک عامل سیاسی است. (دلقدی، ۱۳۹۴)

والسلام

منابع: دلقدی، کاظم و محمد (۱۳۹۴). شایستگی سیاسی و اجتماعی معلمان در نظام تعلیم و تربیت

شارع پور، محمود (۱۳۸۳). جامعه شناسی آموزش و پرورش، تهران: انتشارات سمت جامعه شناسی آموزش و پرورش، دکتر علی علاقه بند.

جی اسمیت، فیلیپ (۱۳۷۰). ترجمه بهشتی، فلسفه آموزش و پرورش، آستان قدس.

سقوط!

ارتباطات و کنترل است؛ که موجب می‌شود علی‌رغم طراحی و تولید سامانه‌های پدافند موشکی توسط کشورهای مختلف، حفره‌ی فنی برای آمریکا که طراح استانداردهای بین‌المللی است همیشه باز و دسترس‌پذیر باشد.

خبرگزاری جمهوری اسلامی؛ به اثبات این فرضیه در برخی رسانه‌های خارجی می‌پردازد:

سایت FAA (نهاد رگلاتوری پروازهای داخلی و خارجی آمریکا) ساعاتی قبل از این حادثه در اطلاعیه‌ای پرواز هواپیماهای تجاری و غیرتجاری آمریکایی پرفراز ایران را ممنوع اعلام کرده و در آن گفته بود احتمال خطا در محاسبات یا خطا در شناسایی برای هواپیماها پرفراز ایران وجود دارد.

همچنین سایت The Drive از رسانه‌های غربی این گمانه را مطرح کرده است که احتمالاً سیستم جنگ الکترونیک آمریکایی‌ها، هواپیمای مسافربری را برای بخشی از پدافند ایران به‌عنوان یک هدف جنگی نشان داده است.

پایگاه تحلیلی پولی توس نیز اعلام کرد: کارشناسان مرکزی به نام «Veterans today» نیز معتقدند که واحد ۸۲۰۰ رژیم اسرائیل در ازکارافتادن سیستم هواپیمای پرواز PS ۷۵۲ درگیر بوده و هکرهای اسرائیلی با تغییر در کد شناسایی هواپیما و تعویض جای «دوست و دشمن»، سبب شدند تا هواپیمای اوکراینی را به‌عنوان «دشمن» تعریف کند.

به نوشته برخی رسانه‌های داخلی، چرایی و چگونگی فیلم‌برداری مشکوک از زمان اصابت موشک آن‌هم در یک فضای نسبتاً بیابانی و در یک ساعت مشخص در نیمه‌شب توسط فردی ناشناس و اطلاع‌رسانی فوری برخی رسانه‌های عربی مانند الحدث سعودی نیز ازجمله دیگر دلایل برای جنگ الکترونیک آمریکا در این فاجعه است.

الحدث عربستان سعودی ساعتی بعد از سقوط هواپیما و درحالی‌که هنوز هیچ بررسی فنی دراین‌باره صورت نگرفته بود، اعلام کرد که هواپیمای اوکراینی براثر اصابت موشک پدافندی ایران سقوط کرده است.

شایان‌ذکر است که احتمال جنگ الکترونیک تنها یک فرضیه است؛ و لازم است که ابعاد دقیق آن توسط کارشناسان ذی‌ربط موردبررسی قرارگرفته و نتیجه نهایی روشن گردد.

و در آخر؛

پرونده سقوط هواپیمای اوکراینی، پرونده‌ای سنگین و بسیار حائز اهمیت است و مطلبی که بیان گردید تنها اشاره‌ای به بخش کوچکی از آن بود.

بدون شک سؤالات و ابهامات زیادی در این پرونده نیاز به بررسی و شفاف‌سازی دارد.

سامانه جنگ الکترونیک (Suter) اشاره کرد.

«سامانه جنگ الکترونیک سوتر؛ یک نوع سامانه جنگ الکترونیکی است که هدف از کارکرد آن؛ فریب دستگاه‌های دفاع هوایی و موشکی حریف است. کارکرد این سامانه به‌گونه‌ای است که با ارسال امواج الکترونیکی و الکترومغناطیسی به دستگاه‌های دفاع هوایی و موشکی و نفوذ در رایانه آن‌ها، ضمن ایجاد اختلال در فرآیند کارکرد آن‌ها، پالس و داده‌های غلط را برای آن‌ها ارسال می‌کند».

یعنی در سیستم پدافند هوایی حریف، جای دوست و دشمن را عوض کرده و هواپیمای خودی را دشمن معرفی می‌کند.

خبرگزاری مصاف دراین‌باره می‌نویسد: این سیستم جنگ الکترونیک در ابتدا توسط شرکت دستگاه‌های الکترونیکی BAE آمریکا طراحی و تولیدشده است. شایان‌ذکر است که این سیستم پیشینه استفاده در عملیات رزمی راهم دارد. جنگنده‌های اف ۱۶ رژیم صهیونیستی در تاریخ ۱۷ سپتامبر ۲۰۱۹ (۲۶/۶/۱۳۹۸) ضمن ورود به حریم هوایی سوریه و هدف قرار دادن موانع نظامی دراستان حماه در هنگام بازگشت در تور دستگاه‌های پدافند سوریه قرار گرفتند. جنگنده‌های رژیم صهیونیستی به‌منظور خارج شدن از تور پدافند هوایی سوریه با استفاده از این سامانه جنگ الکترونیک، موقعیت و معرف خود را بر روی یک هواپیمای الیوشن ارتش روسیه (IL20) منتقل کردند و دستگاه‌های پدافند هوایی سوریه نیز فریب سامانه جنگ الکترونیک رژیم صهیونیستی را خورده و هواپیمای روسی را مورد هدف قرار می‌دهند.

آزمایشگاه پژوهشی فضای سایبری دانشگاه تهران، در خصوص این اتفاق بیانیه‌ای صادر کرد که شاهد به راین مدعااست.

این بیانیه با عنایت به اسناد راهبردی ایالات‌متحده آمریکا و بررسی علمی و فنی موارد مشابه نظیر خطای سامانه‌ی پدافند موشکی سوریه در سال ۲۰۱۸، شلیک موشک به هواپیمای MH_17مالزی پرفراز اوکراین در سال ۲۰۱۴ و حمله‌ی سایبری به هواپیمای AC130 و EC130s آمریکا توسط روسیه در سال ۲۰۱۸، علت حادثه را اعمال عملیات فریب بر سیستم فرماندهی و کنترل سامانه‌ی پدافند موشکی ایران دانسته و نقش خطای انسانی را در آن منتفی می‌داند.

این بیانیه در ادامه بیان می‌کند: از سوی دیگر بررسی تجهیزات جنگ سایبری ارتش آمریکا نظیر هواپیمای «آواکس» و «ریوت جوینت» حاکی از آن است که موارد مذکور اساساً به‌منظور چنین اقداماتی طراحی، تولید و به‌کارگیری شده است. در ادامه این بیانیه به این مسئله پرداخته‌شده است که علت وقوع عملیات فریب فرماندهی و کنترل که ریشه در دانش سایبرنتیک دارد، استفاده تمام کشورها از استانداردهای بین‌المللی در حوزه محاسبات،

۱۸ دی‌ماه ۱۳۹۸، صبحگاه چهارشنبه، هواپیمای بین‌المللی اوکراین با پرواز شماره ۷۵۲، تهران را به مقصد کی‌یف ترک می‌کرد؛ اما حوالی شهر جدید پرند در استان تهران سقوط کرد و تمام مسافران آن جان باختند.

۷۲ ساعت بعد از سانحه، با بیانیه‌ی ستاد کل نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران و توضیحات سردار پاسدار حاجی‌زاده، فرمانده نیروی هوافضای سپاه پاسداران، مشخص شد که براثر بروز خطایی غیر عمد، هواپیمای مسافربری، مورد اصابت موشک سپاه پاسداران قرارگرفته است. سردار حاجی‌زاده در این بیانیه ضمن ابراز هم دردی با مردم داغ‌دیده بیان کرد:

«بیش از یک هفته، احتمال درگیری نسبت به سال‌های گذشته، شاید از ابتدای انقلاب، بی‌سابقه بود. نیروهای دو طرف در آماده‌باش صد درصد بودند، به‌ویژه آمریکایی‌ها که اعلام کرده بودند ۵۲ نقطه از ایران را می‌زنند. برای همین همه‌ی یگان‌های آفندی و پدافندی در آماده‌باش صد درصد بودند و وضعیت آمادگی در سطح جنگی قرار داشت. در مراحل مختلف چندین بار به سامانه‌های پدافندی اعلام می‌شود که موشک‌های کروز به سمت کشور شلیک‌شده است و دریکی دو مرحله تأکید می‌شود که این کروزها در مسیر هستند. در این شرایط سامانه، هواپیما را موشک کروز تشخیص می‌دهد. او موظف بود در این شرایط تماس بگیرد و خط‌این اپراتور هم از همین نقطه است؛ اما در آن شرایط ظاهراً سیستم ارتباطی‌اش با اختلال مواجه بود؛ و فقط ۱۰ ثانیه برای شلیک فرصت داشت»

وی همچنین افزود: «دلیل آنکه اطلاع‌رسانی درباره این حادثه چند روز طول کشید، برای نگه‌تن و پنهان کردن ماجرا نبوده، بلکه روال همین موضوع است».

تشخیص اشتباه موشک کروز، اختلال در سیستم ارتباطی، احتمال هک سیستم، عدم لغو پروازها در شرایط جنگی کشور و البته احتمال جنگ الکترونیک؛ پارامترهایی بودند که نیاز به موشکافی و بررسی تخصصی داشت.

ایکائو [سازمان هوانوردی بین‌المللی] در تحلیل خود از این ماجرا این‌گونه پیش‌بینی می‌کند که این جمع‌بندی ۳۰ روز طول بکشد.

بدون شک هرکاری مراحل تخصصی و زمان خاص خود را می‌طلبد. تأخیر ۷۲ ساعته ستاد کل نیروهای مسلح برای مطرح کردن شرح ماجرا، به معنی پنهان‌کاری نیست، چه‌بسا اهمیت و حساسیت مسئله، زمان بیشتری را می‌طلبد.

اما اصل ماجرا چه بود؟

در پاسخ به این سؤال که چرا پدافند هوایی جمهوری اسلامی، هواپیمای مسافربری را موشک کروز تشخیص می‌دهد، فرضیاتی ارائه‌شده است که ازجمله آن‌ها می‌توان به امکان استفاده آمریکا از

توثیت گردی

#ماهواره_نور

فارسی | KHAMENEI.IR

متأسفانه عده‌ای در کشور دائم میگویند نمیشود و نمیتوانیم؛ در حالیکه میتوانیم! وقتی میتوانیم یک ماهواره‌بر را با سرعت ۷۵۰۰ متر بر ثانیه به فضا پرتاب کنیم و آن را در مدار قرار دهیم و یا در صنایع دفاعی آن پیشرفتهای بزرگ را داشته‌ایم؛ پس در تولید هم میتوانیم به جهش دست یابیم.



محمدباقر قالیباف

سپاه فضایی شد با اعتماد به جوانان و باور به سنت‌های الهی. نه از لاف‌های در غربت غرب باید هراسید و نه با ناکارآمدی‌های موجود کنار آمد؛ ما می‌توانیم آینده‌ای روشن‌تر برای ایران بسازیم.



اسکیزوئید

ماهواره‌ی نور از پایگاه فضایی پرتاب نشد و از روی لانچر متحرک شلیک و به مدار ۴۲۵ کیلومتری رسید ..
یعنی ایران عملاً موشک بالستیک قاره پیمای دارد ..
بعد ترامپ کردن میاد میگه قایق‌های ایران رو تو خلیج فارس بزنید =(((((((



آقا محمد

صنعت هسته ای (دوخط آبی)
صنعت موشکی (دوخط آبی)
صنعت هوا فضا (دوخط آبی)
صنعت خودرو typing....
#ماهواره_نور



وحید جلال زاده

تربیت شدگان مکتب #سلیمانی
سپاه را فضایی کردند
پرتاب موفقیت آمیز #ماهواره_نور در اوج تحریم‌های نظامی و اقتصادی
مقدمه تحقق گام دوم انقلاب اسلامی است؛
ما می‌توانیم شعار نیست، باور یک ملت است



سیدمحمد حسینی

تحقق آیه "ترهیبون به عدو الله و عدوکم"
رئیس آژانس فضایی رژیم #صهیونیستی:
موفقیت ایران در پرتاب ماهواره نور برای امنیت ما خطرناک است. این بدین معناست که #ایران قادر به دسترسی به هر نقطه از کره زمین است. از پیامدهای پرتاب #ماهواره_نور و قرارگرفتن آن در مدار زمین نگران هستیم



امروز ما می‌توانیم جهان را از فضا رایت کنیم و این به معنای گسترش اطلاعات راهبردی نیروی دفاعی قدرتمند سپاه پاسداران انقلاب اسلامی است. مادر فوجی شدن کشور و ملت مان هیچ محدودیتی را قائل نیستیم و هر ابزار مشروعی را بدست می‌آوریم. امروز در فضا مستقر شدیم و فردا...

علم، قرآن، طبیعت^{۲۰}

در پایان آیه آورده شده از درون شکم زنبورها شهدی به رنگ‌های گوناگون بیرون می‌آید که در بررسی‌های علمی نیز به این حقیقت دست یافته‌اند که با توجه به استفاده زنبورها از گل و گیاهان رنگارنگ، عسلی که تولید می‌شود به رنگ‌های مختلف است.

به دلیل نقش بسیار مهم زنبور عسل در گرده‌افشانی و افزایش باروری محصولات کشاورزی و میوه‌ها (که طیور و پرندگان را نیز بی‌نصیب نگذاشته است) و همچنین تولید عسل، سازمان جهانی غذا و کشاورزی (فائو)، روز ۲۰ می هر سال را به عنوان روز جهانی زنبور عسل نامگذاری کرده‌است.

عسل که در قرآن از آن به‌عنوان شفا یاد شده‌است، از زمان‌های قدیمی به‌عنوان دارو، کاربردهای زیادی داشته‌است. از فعالیت ضد باکتریایی گرفته تا درمان زخم معده و روده، خواص آنتی اکسیدانی ضد توموری و ضدالتهابی و... همه و همه از خواص این شیرین شفا بخش‌اند. حتی از نیش زنبور برای تسکین آرتрит، درمان ام اس، کاهش التهاب، متوقف کردن رشد سلول‌های سرطانی و... می‌توان اشاره کرد. اینجاست که باید گفت: همچو نحل زهری و تریاقی که دید؟

از دیگر نکاتی که توجه ما را به زنبور عسل جلب می‌کند، ساختار بسیار مهندسی و ماهرانه‌ی کندو است. شش ضلعی که زنبورها با بکار گرفتن کمترین مصالح به گونه‌ای صفحه موم آج شده داخل قاب را گونیا می‌گیرند که هیچ جای اضافی و بقول مهندسین "پرتی" در آن وجود ندارد. زندگی و تعامل اجتماعی، همبستگی برای هدفی والا، سخت کوشی و تلاش خستگی ناپذیر و انتخاب الگوی واحد از جمله درس‌هایی است که این حشره ارزشمند به ما انسان‌ها می‌دهد. اینجاست که می‌توان دریافت، نام‌گذاری سوره‌ای به‌نام نحل، گواه آشکاری از اهمیت و ارزش این حشره‌ی سودمند است.

زنبور عسل که در فارسی به آن منگ، منج و مگس‌انگبین هم گفته می‌شود، حشره‌ای است که نه تنها سوره‌ای از قرآن به نام آن وجود دارد (نحل)، بلکه موفق به دریافت مدال افتخار وحی نیز شده‌است. قرآن کریم نیز بشریت را به مطالعه و کشف اسرار و شگفتی‌های نهفته در ابعاد زندگی زنبور عسل فرامی‌خواند. فلذا بر آن شدیم که با این حشره‌ی پرتلاش بیشتر آشنا شویم.

«وَ أَوْحَىٰ رَبُّكَ إِلَى النَّحْلِ أَنِ اتَّخِذِي مِنَ الْجِبَالِ بُيُوتًا وَمِنَ الشَّجَرِ وَمِمَّا يَعْرِشُونَ» (آیه‌ی ۶۸، سوره نحل)

و پروردگار تو به زنبور عسل «وحی» و (الهام غریزی) نمود که: «از کوه‌ها و درختان و داربستهایی که مردم می‌سازند، خانه‌های برگزین.

«ثُمَّ كُلِي مِن كُلِّ الثَّمَرَاتِ فَاسْلُكِي سُبُلَ رَبِّكِ ذُلًّا يَخْرُجُ مِنْ بُطُونِهَا شَرَابٌ مُّخْتَلِفٌ أَلْوَانُهُ فِيهِ شِفَاءٌ لِلنَّاسِ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَةً لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ» (آیه‌ی ۶۹، سوره نحل).

سپس از تمام ثمرات (و شیره گلها) بخور و راههایی را که پروردگارت برای تو تعیین کرده است، به راحتی بپیما، از درون شکم آنها، نوشیدنی با رنگهای مختلف خارج می‌شود که در آن، شفا برای مردم است؛ به یقین در این امر، نشانه روشنی است برای جمعیتی که می‌اندیشند.

در آیات ۶۸ و ۶۹ سوره‌ی نحل زوایای قابل توجهی از زندگی اسرارآمیز زنبور عسل به تصویر کشیده شده است. کلمه به کلمه این دو آیه حامل اسراری است که مفهوم برخی از آن‌ها تا قرون اخیر برای بشر آشکار نبوده‌است.

در قرآن خانه‌سازی به عنوان اولین مأموریت به زنبور عسل وحی شده‌است که در بررسی‌های علمی نیز اولین کار زنبور در ایجاد یک کلونی، جستجو به منظور یافتن محلی مناسب برای ساخت کندو در ارتفاع از سطح زمین است. در سال ۱۹۷۳، دانشمندی به نام کارل وون فریش، جایزه نوبل پزشکی را به‌خاطر رمزگشایی زبان زنبورهای عسل دریافت کرد که به آن رقص پیچشی گفته می‌شود.

کتاب آیلا ند

اختلاف طبقاتی این بار از جنس واژگان

وقتی داشتم کتاب «مقدمه‌ای بر فارسی‌نویسی کودکان نادر ابراهیمی» را می‌خواندم، روی صفحه ۲۳ و ۲۴ برای ساعت‌ها مات ماندم، «رعایت حد واژه فهمی»، «اختلاف طبقاتی درواژه‌گزینی» این‌ها دیگر چی هستند؟ مگر می‌شود در واژه فهمی یا ساده‌تر بگویم سخن گفتن هم اختلاف طبقاتی وجود داشته باشد؟ با خواندن مطلب زیر، متوجه می‌شوید اختلاف طبقاتی در واژه فهمی چقدر مهم است، تا حدی که اگر این اختلاف طبقاتی نباشد، جامعه به تساوی رشد فرهنگی می‌رسد و در این صورت می‌توانیم بگوییم این جامعه، یک جامعه‌ی در حال ترقی است...

به قول نادر ابراهیمی، نویسنده توانای کشورمان؛ (بدا به حال ملتی که، نوجوانانش - چه شهری و چه روستایی، چه کارگرزاده و چه کارمندزاده، نتوانند در زمینه‌ی مسائل مختلف و بروز عواطف و احساسات خود با یکدیگر به گفت‌وگو بنشینند نیازهای خویش را بیان کنند و دردها، رؤیاهای و آرزوهای خود را منتقل کنند). ازهرچه بگذریم، به این اعتقاد دارم که سخن کتاب خوشتر است.

ما زمانی می‌توانیم، کتابی وحدت‌گرایانه برای بچه‌های شش تا نه ساله‌ی وطن بنویسیم و همه‌ی آن‌ها بتوانند بخوانند، واقعاً و بدون فشار بخوانند، و همه‌ی آن‌ها بتوانند بفهمند، لذت ببرند، یادگیرند و به کار ببرند که دست‌کم بدانیم چه تعداد واژه‌ی مشترک و متشابه بین همه‌ی این بچه‌ها وجود دارد: یعنی نقطه مشترک «واژه فهمی» آن‌ها کجاست.

کم و بیش مسلم شده است که همه‌ی بچه‌هایی که در طبقات و گروه‌های اجتماعی متفاوت دارای یک زبان یا گویش هستند، در سال‌های نخستین کودکی از واژه‌های متشابه، با تعداد نسبتاً مساوی، استفاده می‌کنند: یعنی یک طفل دوساله‌ی اهل تهران و یک طفل دوساله‌ی روستایی متعلق به اطراف تهران، تقریباً، بطور مساوی، تعدادی واژه در اختیار دارند، مانند «نان، آب، شیر، بیا، برو، نه، بله، خب! مادر، بابا، عمو، نمی‌خوام، نمی‌آیم، خواب، لالا، این و آن...» و... (صرف نظر از تفاوت‌های لهجه‌ای): اما، هر قدر که بر سن بچه‌ها افزوده می‌شود، تفاوت‌های کمی و کیفی در آگاهی آن‌ها نسبت به مفهوم و معنای واژه‌ها و اصطلاحات و کاربرد آن‌ها بیش و پیش‌تر می‌شود: تا جایی که دیگر یک نوجوان شهری مرفه باسواد؛ از نظر واژه فهمی و واژه‌گزینی و تعداد واژه‌هایی که برای بیان مقاصد خود و مشارکت در گفت‌وگوها در اختیار دارد؛ با مجموعه‌ی کوچک محقر نوجوان روستایی و یا حتی نوجوان شهری وابسته به طبقه‌ی مستضعف بی‌سواد مانده، قابل مقایسه نیست.

(ما بارها دیده‌ایم که یک نوجوان شهری باسواد، تحت شرایطی، مثلاً در یک گشت تفریحی، با یک نوجوان ساده و بی‌سواد حومه‌نشین روبه‌رو می‌شود و می‌خواهد که با او «سر صحبت باز کند»؛ اما پس از مدتی، خسته و درمانده می‌شود و رها می‌کند.

در اینگونه موارد، زمانی که نزدیکان نوجوان شهری به او می‌گویند: «باید با زبان خودش با او حرف بزنی!» مسلماً مقصودشان به کاربردن زبان، لهجه، یا گویش دیگری نیست؛ چرا که همه متوجه هستند که حومه‌نشین نیز به همان زبانی حرف می‌زند که نوجوان شهری باسواد؛ بلکه مقصود، دقیقاً همان «رعایت حد واژه فهمی» نوجوان روستایی است.)

نوجوان شهری، «بازاری» وسیع، شلوغ و متنوع در پیش‌رو دارد و دائماً با مسائل تازه برخورد می‌کند و کلمات و اصطلاحات و اسامی تازه را یاد می‌گیرد و به کار می‌برد؛ حال آنکه نوجوان روستایی، به دلیل محدودیت‌های موضوعی و عینی محیطش، با تعداد کمتری از واژه، تمام خواست‌ها و افکار خود را در محدوده‌ی خود، بیان می‌کند و در همین حد هم لااقل از نظر کاربردی باقی می‌ماند.

معلمان آینده حواستان به این اختلاف طبقاتی در «واژه فهمی» باشد. به امید آن روزی که ما شاهد ریشه‌کن کردن تمام اختلاف‌های طبقاتی در همه زمینه‌ها باشیم.

منابع:

ابراهیمی، نادر. (۱۳۹۶)، مقدمه‌ای بر فارسی‌نویسی کودکان، (چاپ اول)، تهران: نشر روزبهان.

روش‌های نوین تدریس یادگیری فاصله‌دار

برای تمام معلمان، این مورد ضروری است که بتوانند تدریس را به صورت جذاب ادامه دهند. اکثریت ما در همه مسائل به دنبال جذابیت هستیم، اما در مورد تعلیم و تربیت کوتاهی کرده‌ایم. در یک کلام به شما بگویم که اگر قصد دارید جذاب باشید، رمز موفقیت شما جذاب تدریس کردن است. بیایید، از روش تدریس سنتی "گچ و بحث کردن" یا همان سخنرانی که متعلق به صدها سال پیش است و به نیاکانمان برمی‌گردد، فاصله بگیریم و به روز باشیم. وارد دنیای شیرین روش‌های نوین تدریس شوید، اگر شما هم مثل من معتقدید که وظیفه ما تحویل ربات، به جامعه نیست. در این فصل از نشریه، یکی از روش‌های نوین تدریس را خدمت شما مخاطبان عزیز معرفی می‌کنم. یادگیری فاصله‌دار (Spaced learning):

یادگیری فاصله‌دار، در واقع یک نوع روش تدریس برای تعبیه اطلاعات در حافظه ما، از طریق تکرار است. یادگیری فاصله‌دار بسیار مهم است چراکه نتیجه تحقیقات علوم شناختی است. یکی از خصیصه‌های این نوع از یادگیری، پوشش سریع و فوری محتوا در حداقل زمان ممکن می‌باشد. هر یک از جلسات یادگیری فاصله‌دار، دارای سه برون‌داد است و سه زمان استراحت ده دقیقه‌ای نیز دارد که در این زمان‌های استراحت فراگیران می‌توانند به بازی‌ها یا فعالیت‌های ساده‌ای نظیر بسکتبال یا بازی‌های رایانه‌ای بپردازند. یادگیری فاصله‌دار شامل سه مرحله زیر است: ۱. درون‌داد اول/ استراحت اول ۲. درون‌داد دوم/ استراحت دوم ۳. درون‌داد نهایی. اولین مرحله به صورت سخنرانی است که معلم یا مربی، معمولاً با استفاده از پاورپوینت، حجم زیادی از اطلاعات را ارائه می‌دهد. دومین برون‌داد بر روی یادآوری تمرکز دارد. آخرین برون‌داد بر فهم و ادراک فراگیران تمرکز می‌کند. (موسوی و همکاران، ۱۳۹۷)

به نقل از فیروزه علویان، شروع این آموزش از کار ابینگ‌هاوس نشأت می‌گیرد. جذابیت Spaced learning برای مدارس کشورهایی که این روش را به کار می‌برند، به دلیل پتانسیل آشکار آن برای کمک به دانش آموزان در فراخوان مطالب در امتحانات؛ خصوصاً کشور فنلاند، ثابت شده است. (Bhat, 2016) باین‌حال، دلیل حمایت آموزش آتی از Spaced learning به دلیل پتانسیل قوی آن برای فعال کردن دانش آموزان بر اساس تحقیق و پژوهش در یادگیری (EBL) (McDougall & Sanders, 2011) و مبتنی بر پروژه یادگیری (PBL) (Mioduser & Betzer) است. (علویان، فیروزه، ۱۳۹۶).

منابع:

موسوی، صادق؛ اعظم معتمدی و علی رادمهر، ۱۳۹۷، یادگیری فاصله‌دار: اصول و مراحل، چهارمین اجلاس بین‌المللی علوم انسانی و آموزش و پرورش، تهران، مرکز راهکارهای دستیابی به توسعه پایدار- موسسه آموزش عالی مهر ارونند، علویان، ف. (۱۳۹۶، تابستان). یادگیری فاصله‌دار: ایجاد فضای مناسب برای علوم اعصاب رد کلاس درس.

طرح فاصله گذاری علمی در دانشگاه فرهنگیان علمونا ویروس

نویسندگان

فاطمه رحمتی

الهام امایی

اگر دانشجویان به کلاس‌هایی که ساکن آن نیستند سفرکنند، اجازه ورود به کلاس را ندارند. در صورت ورود غیرقانونی به داخل کلاس، دانشجوی خاطی تا یک‌ماه در ندامتگاه علمی به سر برده و علاوه بر آن جریمه کسر ۴۵ درصدی از حقوق بدون استفاده از امکانات در نظر گرفته شده است. در ادامه این طرح تعطیلی حضور در اتاق اساتید، کتابخانه، آزمایشگاه، اتاق معاونت آموزشی، اتاق ریاست پردیس‌ها پیش‌بینی شده است، دانشجویان در این خصوص نگران نباشند. در صورت اعلام وضعیت سفید در دانشگاه ازسوی ستاد مدیریت بحران و مقابله با علم، برگزاری هرگونه اجتماعات علمی با حضور اساتید علمی و دانشجویان علاقه‌مند به علم در کلاس‌ها بلامانع است.

طرح فاصله گذاری علمی با هدف جلوگیری از تشدید شیوع ویروس علمی در دانشگاه فرهنگیان اجرا می‌شود. در میان هیاهوی روزهای کرونایی که عده‌ایی به طور جد، فاصله گذاری اجتماعی را رعایت می‌کنند، شاید خالی از لطف نباشد، یادی کنیم از عده‌ی زیادی که خیلی وقت هست به رعایت فاصله گذاری علمی پرداخته‌اند. به نظر شما آیا هر فاصله گذاری مناسب است؟

کلیات

فاصله گذاری علمی، نام طرح جدیدی است که ستاد مدیریت بحران و مقابله با علم دانشگاه فرهنگیان آن را اعلام کرد. براساس این طرح هرگونه تبادل علم و تردهای علمی متوقف شد. هدف از اجرای این طرح کمک به تشدید قطع زنجیره انتقال بیماری علم‌زدگی با رویکرد کاهش سوالات و پرسش‌های علمی، عدم برگزاری اجتماعات علمی و حذف تردهای غیرضروری در سطح دانشگاه اعلام شد. جزئیات طرح فاصله گذاری علمی برای مقابله با علمونا ویروس به شرح زیر است: صرفاً به افراد ساکن کلاس‌ها اجازه ورود داده می‌شود؛ یعنی سفر و تبادل علمی بین کلاسی ممنوع است. دورقم اول کد دانشجویی اشخاص، شماره کلاس، سال ورود و... نشان‌دهنده این است که این دانشجویان بومی این کلاس هستند یا نه؟



سیرک در مقالات شکار مغزها

فرار مغزها شاید هم سیاست جذب! حکایت مسافرانی است که بعضی‌هایشان می‌روند که دیگر بازنگردند. تحصیل کرده‌هایی که با درخواست‌دادن به دانشگاه‌های معتبر با صرف کلی هزینه به دنبال آرمان شهرشان راهی آن طرف مرزها می‌شوند. مهاجرتی که سالانه میلیاردها دلار خسارت به کشور وارد می‌کند.

فرار مغزها(Brain Drain)، که یکی از مسائل مهم برخی جوامع به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه است به فرایندی اطلاق می‌شود که در آن، متخصصان و نخبگان یک کشور به خاطر مشکلات علمی، اقتصادی، فن‌آوری، سیاسی، کمبود امکانات پژوهشی، رفاهی و ناتوانی جامعه در استفاده از تخصص و توان اطلاعاتی آن‌ها برای کسب تجربه، پیشرفت‌های علمی، حقوق‌های بالا، منزلت رفاه اجتماعی و آزادی فکری بیشتر و دسترسی به منابع علمی جدیدتر و متنوع‌تر به سوی جوامعی کوچ می‌کنند که به نظر آنان از شرایط بهتری برخوردار باشند و بتوانند تخصص و توان علمی خود را در جامعه برای پیشرفت به کار گیرند.

آغاز این جریان به سال ۱۹۳۸ بر می‌گردد. همان موقع که هیتلر ظهور کرد در سال‌های آغاز جنگ جهانی دوم و دهه ۱۹۸۰ هم به اوج خودش رسید. همان دورانی که اندیشمندانی چون انیشتین، ماکس بورن و اپنهایمر از آلمان نازی و اروپای درگیر جنگ راهی آمریکایی آرام و بدون هیاهو شدند. در ایران ما هم از آغاز دهه ۳۰ شروع شده و تا به امروز ادامه داشته است.

سال‌هاست مهاجرت به خارج از مرزهای ایران روند صعودی دارد، اما بعد از جنگ با گسترش دانشگاه‌ها و افزایش ظرفیت آن‌ها روند مهاجرت کاهش یافت. در ۲۰ سال اخیر، بسیاری از دانشجویان ما بعد از تحصیل در مقطع کارشناسی برای ادامه تحصیلات تکمیلی خود به کشورهای پیشرفته صنعتی مهاجرت می‌کنند، و بخش قابل‌توجهی از آن‌ها هرگز به ایران برنمی‌گردند. روند مهاجرت بی‌بازگشت نخبگان یا به اصطلاح فرارمغزها از ایران از اواسط دهه ۷۰ شیب صعودی داشته و بخش اعظم آن مربوط به دانشجویان است. شاید در سال‌هایی این روند کم شده، اما متأسفانه تاکنون برنامه دقیقی برای جذب سرمایه انسانی و بازگشت نخبگان به ایران به کار گرفته نشده است

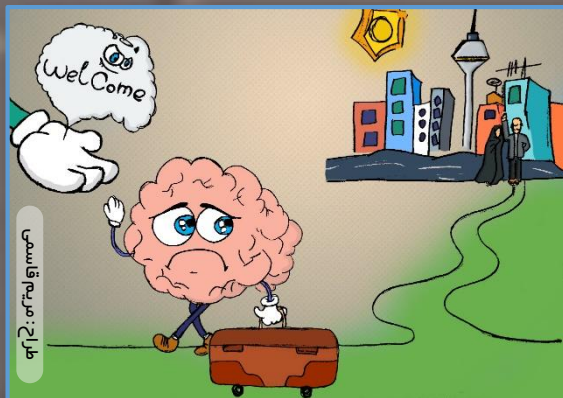
امروزه گسترش فناوری‌های ارتباطی سبب ایجاد تهدید جدیدی شده که در آن بدون خروج فیزیکی از کشور توان افراد و گروه‌های نخبه در خدمت پیشبرد اهداف سایر جوامع و حل مشکلات آن‌ها قرار می‌گیرد. از خروج خاموش نباید غافل شد

اما چرا نخبگان ایرانی مهاجرت می‌کنند؟

رفتارهای مهاجرتی نخبگان موضوع پیچیده و چندلایه‌ای است، نباید آن را به چند علت محدود کرد. دلایلی که گاه شخصی است و گاه کم‌لطفی و عدم حمایت اجتماعی علت آن است. مغزهایی که فرار(Escape) را بر قرار ترجیح می‌دهند، در بیشتر مواقع با هدف ادامه تحصیل کشور مبدأ را ترک می‌کنند و هنگامی که در مقام مقایسه مبدأ و مقصد را در دو کفه ترازو می‌گذارند، بر خورداری از درآمد بالا، امکانات و رفاه بیشتر را به

دوری از خانواده و وطن ترجیح می‌دهند و وطن خود را برای همیشه ترک می‌کنند.

در جامعه‌ای که میان جمعیت، منابع و امکانات تعادل برقرار نباشد و افراد جامعه درآمد و امکانات خود را شایسته و منطبق با تحصیلات، تلاش و موقعیت خود ندانند، به فکر ترک جامعه می‌افتند. به عبارتی عدم تعادل میان امکانات و منابع انسانی موجب می‌شود شاهد سرازیر شدن نیروی متخصص انسانی به کشورهایی باشیم که حاضرند برای یک سرمایه انسانی آماده، امکانات خوبی فراهم کنند. مهاجرت نخبگان ایرانی به خارج از کشور قدمتی ۶۰ ساله دارد و این مهاجرت به علت مشکلات مختلفی در ایران ازجمله نبود فرصت شغلی و بیکاری، عدم حمایت مالی و معنوی از نیروهای متخصص، سطح پایین درآمد استادان، نخبگان و اعضای هیأت علمی، نارسایی‌های مالی و اداری، تبعیض اجتماعی و شکاف دستمزدها، عدم تناسب تخصص و درآمد، عدم شایسته‌سالاری، بی‌توجهی به ماهیت علم و پژوهش، محدودیت فضای فرهنگی به‌ویژه در حوزه هنری، نظام کهنه و ایستای آموزشی و عدم امنیت و رضایت شغلی به‌ویژه برای زنان صورت می‌گیرد و اینگونه است که استعمار اطلاعاتی کشورهای پیشرفته و صنعتی نمود می‌کند. اکنون جنگ بر سر اطلاعات است و ما باید در پی راهی برای جلوگیری از صادرات اطلاعات باشیم.



به فرموده مقام معظم رهبری یک جریان بددل و بدخواه در کشور حضور دارد. آنان اصل جهش علمی کشور را که یک واقعیت عیان است انکار می‌کنند و سعی در مردد کردن مردم و ناامید کردن نخبگان دارند. همچنین دلالتی و انتقال نخبگان مستعد به خارج از کشور از دیگر کارهای این جریان بدخواه کشور است.

اما برای متوقف کردن این روند رو به رشد چه باید کرد؟ برنامه‌ریزی برای مدیریت عوامل کشش خارجی و رانش داخلی!

مطالعه و پژوهش روی کشورهایی که در زمینه کاهش مهاجرت نخبگان موفق بوده‌اند، نشان می‌دهد افزایش توسعه اقتصادی، اتکا به اقتصاد دانش‌بنیان و درنهایت تأکید روی عوامل فرهنگی می‌تواند از افزایش مهاجرت نخبگان جلوگیری کند. در کشور ژاپن که منابع طبیعی‌اش ۲ درصد، منابع سخت افزاری‌اش

۱۸ درصد و ۸۰ درصد نیرو و سرمایه انسانی دارد، از نیروی متخصص خود در چرخه اقتصادی کمک می‌گیرد، در نتیجه در این کشور میزان فرار نخبگان بسیار پایین است. ایران نیز می‌تواند با توجه به جوان‌بودن ساختار جمعیتی‌اش با بهره‌مندی از نیروی متخصص و جوان خود در اقتصاد، نیروی متخصص را جذب سازه‌های توسعه‌ای کند. همچنین با بالابردن ارزش علم و جلوگیری از رشد بی‌رویه دانشگاه‌ها و مدرک‌گرایی و الگو قراردادن کشورهایی که در زمینه کاهش مهاجرت نخبگان موفق بوده‌اند، به کاهش این روند کمک کند.

توسعه اقتصادی نیز یکی از مهم‌ترین مسائلی است که رابطه تنگاتنگی با فرارمغزها دارد. توسعه اقتصادی میزان فرارمغزها را کاهش می‌دهد و افزایش امکانات و درآمدهای بالا برای نخبگان و صاحبان حرفه می‌تواند از مهاجرت آن‌ها جلوگیری کند.

در ادامه خلاصه‌ای از سخنان مقام معظم رهبری در دیدار با جمعی از نخبگان و استعدادهای برتر علمی آورده شده است که توجه به آن خالی از لطف نیست.

ایشان جوان نخبه را متعلق به کشور و پاره تن کشور دانستند. اولین نکته مورد تأکید حضرت آیت‌الله خامنه‌ای اجرا و تحقق سند راهبردی امور نخبگان بود. ایشان اجرای کامل این سند را موجب رفع بسیاری از مشکلات در زمینه پیشرفت علمی، تجاری‌سازی محصولات علمی و فناوری و حل سایر مشکلات بخش علمی خواندند و گفتند: «بنیاد نخبگان موظف است به این سند بپردازد و شورای عالی انقلاب فرهنگی نیز باید با به‌روزرسانی این سند، تحقق آن را مطالبه و دنبال کند».

در سند راهبردی امور ملی نخبگان برای تحقق اهداف کلان، نظام نخبگانی وظیفه شناسایی و هدایت، توانمندسازی، زمینه‌سازی برای اثرگذاری اجتماعی نخبگانی و نیز سیاست‌گذاری و مدیریت و توسعه زیرساخت‌های لازم را بر عهده دارد. توجه به علوم انسانی در همه نهادهای نخبگانی از جمله بنیاد نخبگان نیز از مواردی است که رهبر انقلاب آن را ضروری خواندند. ایشان حضور نخبگان جوان در عرصه علوم انسانی را مسبب پرورش اندام علمی کشور به صورت متناسب دانستند.

"از تخته سیاه تا تخته هوشمند"

مایهٔ اعجاب معلمان و کارشناسان آموزش شد. در ۱۸۴۱، یکی از آموزگاران گفت که مبدعِ ناشناس تخته‌سیاه «سزاوار این است که در شمار خدمت‌گزاران دانش و علم قرار گیرد، و شاید در شمار بزرگ‌ترین نیکوکاران نوع بشر». در همان حدود، نویسندهٔ دیگری تخته‌سیاه را به‌دلیل «منعکس‌کردن نحوهٔ عمل، شخصیت و خصوصیت ذهن فردی» تحسین کرد.

مهم است به یاد داشته باشیم که بودجهٔ مدرسه و نسبت دانش‌آموز به معلم، در ابتدای قرن نوزدهم، در مقایسه با ناحیه‌های آموزش و پرورشِ مدرن، مضحک به نظر می‌رسد. در آن زمان ممکن بود که یک معلم مسئول صدها دانش‌آموز باشد، و بودجهٔ بسیار اندکی هم برای لوازم در اختیار داشته باشد.

در این شرایط، یک راه شاخص استفاده از تخته‌سیاه، برای بهبود آموزش، شیوهٔ لنکستری بود که به نام آموزگار بریتانیایی، جان لنکستر^۲، شناخته می‌شد. لنکستر راه‌های خاصی را برای آرایش فیزیکی کلاس پیشنهاد کرد که معلم بتواند هم‌زمان به گروه بزرگی از دانش‌آموزان آموزش دهد. تخته، مثل نمودار دیواری، لوح، و میز شنی، در این شیوه نقش کلیدی ایفا می‌کرد، چرا که باعث می‌شد نیاز به خرید کتاب، کاغذ و جوهر کاهش یابد. تخته‌سیاه، که ممکن است به سادگی یک تختهٔ چوبی باشد که به رنگ مشکی درآمده، به دانش‌آموزان و معلمان این امکان را می‌دهد که نوشته‌ها یا مسائل ریاضی را به کل کلاس نشان دهند.

تخته‌سیاه خیلی زود به بخش «طبیعی» آموزش تبدیل شد. کلاس درس بدون تخته، یا خویشاوند نزدیکش وایت بُرد، کلاس نبود. از طرف دیگر، دست‌کم زمانی‌که کراس مقاله‌اش را می‌نوشت، کامپیوتر کمی نامتعارف بود، یعنی چیزی بامزه و پرزرق‌وبرق بدون اینکه راه مشخصی برای شرکت در فعالیت‌های آموزشی داشته باشد. او می‌گوید، برای اینکه تکنولوژی جدید پذیرفته شود، باید کاری را که معلمان همین حالا انجام می‌دهند بهتر کند، نه اینکه صرفاً خیل جدیدی از زنگ و بوق پدید بیاورد که معلمان را نگران کند. قیمت نسبی کامپیوتر، در مقایسه با تخته، نیز مانعی بر سر پذیرش گسترده‌اش بود.

۱۷ سال بعد از مقالهٔ کراس، کامپیوتر از هر زمان دیگری ارزان‌تر است و بسیاری از معلمان راه‌هایی یافته‌اند که برای بهبود کلاس‌هایشان از آن استفاده کنند. با ادامهٔ این روند، نتیجهٔ نهایی ممکن است مثل اتفاقی باشد که برای تخته‌سیاه، لامپ الکتریکی و انواع دیگر نوآوری‌هایی که زمانی انقلابی بودند رخ داد: اینکه دیگر کامپیوتر را «فناوری» نبینیم.

ادامه دارد...

منبع: لیولیا گرشون، ترجمان علوم انسانی.

کلاس چندمی؟ رشته‌ی درسیات چیست؟ شیفیت صبح هستی یا عصر؟ این پرسش‌ها نخستین سؤالاتی هستند که بسیاری از افراد هنگام رویارویی با دانش‌آموزان، از آن‌ها دارند. کمتر کسی یافت می‌شود که بپرسد در کلاس درس چند نفر هستید؟ بر روی هر نیمکت چند نفر می‌نشیند؟ روشنایی کلاستان چطور است؟ و ... امروزه مهم‌ترین دغدغهٔ آموزش و پرورش هر کشوری ایجاد بستری مناسب جهت رشد و تعالی سرمایه‌های فکری، در جامعه‌ی اطلاعاتی و دانایی محور است و تحقق این مهم مستلزم بازنگری در نقش مدارس و فناوری‌های به‌روز در عرصهٔ آموزشی است. واژه هوشمندسازی مدارس چندی است بر سر زبان‌ها افتاده است. زمانی بود که در هر مدرسه دست کم یک تخته هوشمند و ویدئوپروژکتور وجود داشت، علی‌رغم کاربردهای فراوان، پخش یک کلیپ، نهایت استفاده از تجهیزات هوشمند مدارس محسوب می‌شد! تا به حال از خود پرسیده ایم که به چه علت؟ یک نفر عدم آشنایی معلمان با فناوری جدید را عامل میدانند دیگری ترجیح معلم بر استفاده از وایت برد را.

شاید هم ترس ازکار افتادن آن! و دلیل آن، صرف هزینه های هنگفت خرید همان یکی. شاید اگر تخته سیاه و گچ بود، کلاس درس دل نشین تر به نظر می رسید. دیری نپاییدکه این چیزها در همان مدرسه به امری متداول تبدیل شد و همه کلاس های درس به تخته و تجهیزات هوشمند مجهز شدند. به هر حال تجربیات نشان از آن دارد که تخته و تجهیزات هوشمند به جهت کاربرد گسترده ای که می تواند داشته باشد، استفاده آنچنانی در مدارس ندارد. «اگر می‌خواهیم بفهمیم که معلمان چگونه فناوری را پذیرفتند باید تاریخ تخته سیاه را بررسی کنیم.

تخته‌سیاه انقلابی‌ترین فناوری‌ای بود که وارد کلاس‌های درس شد. تصویر آشنایی که ما از کلاس در ذهن داریم، یعنی یک تخته‌سیاه و مجموعه‌ای از نیمکت‌ها که روبه‌روی آن چیده شده‌اند، قدمت چندانی ندارد. در واقع، بیش از دویست‌سال نمی‌گذرد از دورانی که مخترعی ناشناس پیشنهاد استفاده از تخته‌سیاه را در کلاس داد. پیشنهادی که خیلی زود چنان فراگیر شد که دیگر هیچ‌کس دوران قبل از آن را به یاد نمی‌آورد. اما دقیقاً با شناخت شیوهٔ تدریس پیش از رواج تخته‌سیاه است که میزان انقلابی‌بودن آن روشن می‌شود. برای فهمیدن تأثیر تخته‌سیاه، باید بدانیم مدارس قبل از وجود تخته‌سیاه چه شکلی بودند. حدود سال ۱۸۰۰، اکثر مدارس آمریکا کلبه‌های چوبی تک‌اتاقه‌ای بودند؛ که در یک طرفشان شومینه و در طرف دیگرشان یک پنجره بود. «درس نوشتن» به این معنی بود که دانش‌آموزان به‌تنهایی به کار مشغول می‌شدند و قلم‌های پَر غاز را می‌تراشیدند و متن‌ها را رونویسی می‌کردند. وقتی ایدهٔ تخته برای اولین بار، در اوایل قرن نوزدهم، مطرح شد،

آموزش و پرورش تطبیقی

مقایسه سیستم آموزشی ایران و فنلاند

فنلاندی‌ها به سمت علاقمند کردن دانش‌آموزان با جنبه‌های انسانی هستند تا اعداد و ارقام! - تکلیف کمتر و مشارکت بیشتر در مقابل تکالیف کلافه کننده شبانه دانش‌آموزان ما که جز دزدگی و گریزان کردن آنان از کتاب، ثمره دیگری نداشته است. در فنلاند تأکید بر مشارکت در کلاس است و یادگیری در قالب گروه صورت می‌گیرد و تکالیف دانش‌آموزان در منزل کمتر از ۳۰ دقیقه طول می‌کشد فلذا دانش‌آموزان فنلاندی وقت بیشتری را با خانواده می‌گذرانند. اما در ایران یادگیری به صورت فردی صورت می‌گیرد و تکالیف بی حد دانش‌آموزان فرصت بودن با خانواده را از آنان سلب می‌کند.

- آموزش مهارت‌های ارزشمند زندگی به دانش‌آموزان (چیزی فراتر از برنامه تحصیلی سنتی)، تأکید بر درس‌های عملی به جای تئوری، حمایت از کارآفرینی و ایده‌های خلاقانه و تفکر نقادانه و... در فنلاند بسیار حائز توجه است. در حالیکه در کشور ما به حفظ کردن طوطی‌وار دروس اهمیت بیشتری داده می‌شود و دانش‌آموزان چیزی از مهارت‌های زندگی، یا آنچه در آینده برای زندگی در اجتماع به آن نیاز دارند فرا نمی‌گیرند.

- در فنلاند دانش‌آموزان زمان بیشتری را با معلمان می‌گذرانند و اغلب ۶ سال تحت آموزش یک معلم هستند. همین موضوع معلم را قادر می‌سازد تا به درک واقعی نیازهای فردی و اساسی هر دانش‌آموز برسد. حال آن‌که در کشور ما پیش آمده است که دانش‌آموز در یک سال تحصیلی از ۳ یا ۴ معلم درس بیاموزد.

- اصل برابری آموزشی در فنلاند حرف اول را می‌زند تمام افراد جدای از جنسیت، نژاد، وضع مالی و... از فرصت برابری برای پیشرفت و تحصیل برخوردارند، و تفاوتی بین مدارس وجود ندارد. اما در کشور ما مدارس غیر انتفاعی، هیأت‌امنائی، تیزهوشان، سمپاد و... به وفور یافت می‌شوند.

- مجهز بودن مدارس فنلاند به تکنولوژی‌های جدید.

اما در کشور ما، مدارس برای استتار ضعف خود در کنترل هوشمندانه ابزارآلات تکنولوژی، استفاده و آوردن آن به مدرسه را ممنوع کرده‌اند. راهکار ما حذف تکنولوژی از زندگی دانش‌آموزان است نه کنترل کردن آن‌ها.

ما رهاوردهای استفاده مثبت از تکنولوژی را قربانی جنبه‌های منفی آن می‌کنیم. همچنین در خیلی از مدارس، معلمان ما کماکان با گچ‌های غیر استاندارد بر روی تخته‌های سبز ناصاف برای تدریس زورآزمایی می‌کنند.

- در کشور فنلاند تأکید بیشتر روی ورزش، موسیقی و انواع دیگر هنر هاست ولی ما معتقدیم اینها چیزی جز وقت تلف کردن نیست و نقش ورزش و هنر روز به روز کم رنگ‌تر می‌شود.

- بررسی صفحات نخست سایت‌های وزارت آموزش و پرورش ایران و فنلاند، این روزها نکته جالب و تلخی را در بردارد.

فرق است میان سایتی که برای مافوق و کارفرما و بافت و سلیقه اداری و به مثابه بایگانی‌ای از اخبار و بخشنامه‌ها طراحی می‌شود، با سایتی که برای ذینفعان اصلی حوزه تعلیم و تربیت، یعنی بچه‌ها و خانواده‌هایشان، است.

سازمان اداری آموزش و پرورش باید با مخاطب اصلی خودش وارد گفتگو شود؛ و من فکر نمی‌کنم هیچ دانش‌آموز یا اولیایی به میل خودش بیش از یک دقیقه در سایت آموزش و پرورش ما توقف کند.

سیستم آموزشی فنلاند در تمامی بررسی‌ها و ارزیابی‌های بین المللی به عنوان بهترین سیستم آموزشی جهان شناخته می‌شود و همین موضوع باعث شده است همگان به دنبال راز موفقیت فنلاندی‌ها باشند، ما هم از این قاعده مستثنی نیستیم، فلذا قصد داریم با این سیستم آموزشی بیشتر آشنا شویم.

کشور فنلاند دارای یک ساختار جامع آموزشی است و این آموزش‌ها را به صورت رایگان در اختیار همه شهروندان خود قرار می‌دهد و هیچ‌گونه مانع و استثنایی برای بهره‌مندی همه مردم از آموزش رایگان وجود ندارد. این سیستم آموزشی برگرفته از رویکرد یک سری از تحقیقات آموزشی در آمریکا و همچنین الهام گرفته از فیلسوفانی همچون جان دیویی بوده است؛ بطوری‌که تفکر آموزشی، عملی و کودک محور بین آموزگاران فنلاندی پذیرفته شده است. سیستم آموزشی فنلاند از اولین سال اجرای برنامه ارزیابی بین المللی دانشجویی (Pisa) در سال ۲۰۱۳ برترین سیستم آموزشی بوده است.

اما چرا فاصله ی بین سطح سیستم آموزشی ما با فنلاند زیاد است؟

- آموزش در فنلاند چیزی فراتر از آموزش رایگان است. سالانه ۱۲ درصد از کل بودجه کشور فنلاند به آموزش اختصاص داده می‌شود و نه تنها آموزش بلکه ناهار وسایل مدرسه و حتی حمل و نقل دانش‌آموزان برعهده دولت است. حال آن‌که در کشور ما روز به روز بودجه آموزش و پرورش کاسته می‌شود و چه بسیار دانش‌آموزانی که به دلیل فقر مالی با وجود استعداد فوق‌العاده مجبور به ترک تحصیل می‌شوند.

- به کودکان اجازه می‌دهند تا کودک باشند. آموزش رسمی برای دانش‌آموزان تا ۷ سالگی شروع نمی‌شود. کودکان تا زمان آمادگی کامل برای آموزش متمرکز از طریق بازی و کاوش در اطراف یاد می‌گیرند. اما در کشور ما از همان سنین پایین، کودکان را به سمت موضوعاتی فراتر از سنشان سوق می‌دهند و فرصت بچگی کردن را از آنان می‌گیرند.

- دانش‌آموزان، راه خود را انتخاب می‌کنند. در فنلاند نه سال آموزش اجباری وجود دارد و پس از آن در سن ۱۶ سالگی سه انتخاب پیش روی آنان است:

۱- سه سال تحصیل بیشتر برای آمادگی ورود به دانشگاه، که اخیراً کمتر از ۴۰ درصد آن را انتخاب کرده‌اند. ۲- سه سال آموزش مهارت‌های فنی و حرفه‌ای که اخیراً کمتر از ۶۰ درصد آن را انتخاب کرده‌اند. ۳- ورود به بازار کار کمتر از ۵ درصد آن را انتخاب کرده‌اند.

پس دانشگاه تنها انتخاب آنان نیست بلکه گرایش اغلب آن‌ها به سمت مهارت‌های فنی و حرفه‌ای است. حال آن‌که در کشور ما کنکور تنها راه رسیدن به خواسته‌هاست.

- در فنلاند معلم بد وجود ندارد. آموزش ابتدایی، رقابتی‌ترین درجه در فنلاند است و به عنوان حرفه‌ای معتبر شناخته می‌شود. تدریس در این جایگاه که فقط از بین بهترین معلم‌ها انتخاب می‌شود، از جمله شغل‌هایی است که همه به دنبال آن هستند. با این حال تنها ۱۰ درصد از متقاضیان این شغل استخدام می‌شوند. اما در کشور ما فیلترهای درستی برای استخدام معلمان وجود ندارد. همچنین با وجود زحمات معلمان آن‌ها و منزلت اجتماعی و حقوق دریافتی معلمان در کشور، پایین است که همین عامل به نوعی سبب سلب انگیزه معلمان می‌شود.

- استفاده نکردن از آزمون‌های استاندارد نیز نکته‌ی پررنگ سیستم آموزشی فنلاند است. معلمان در آنجا در انتخاب روش تدریس و سیستم ارزشیابی و نمره‌دهی مختارند. حال آنکه در ایران شاهد برگزاری چندین آزمون در یک روز نیز هستیم. سیستم نمره‌دهی اشتباه و سنجش دانش‌آموزان با ملاک‌های غلط ایراد بزرگ نظام آموزشی ماست. در حالیکه

صلح را بر روی بال تو می‌نویسم!

سال‌ها از روزی که هیروشیما، با بمباران اتمی نابود شد می‌گذرد؛ بعد از گذشت این‌همه سال، در سالگرد این اتفاق، اسم هیروشیما به‌جز بمب اتم، نابودی و جنگ، یک نام‌آشنا را هم به ذهن‌ها می‌آورد: «درنای کاغذی» درنای کاغذی حاصل هنری به نام کاغذتا است. به معنای با اندیشه تا دادن کاغذ است؛ بنابراین کاغذتا هنر اندیشه تا دادن کاغذ برای خلق اشکال مختلف هست. هنر را باید نمایش داد. هر هنری برای نمایش هرچه بهتر و کامل‌تر نیاز به ابزار و وسایل مخصوص دارد، در کاغذتا داشتن دقت و ظرافت عمل در کنار کاغذ مناسب مهم‌ترین اصل در کار است. اگر بتوانیم قبل از ساختن هر مدل، کاغذی بارنگ و نقش مناسب انتخاب کنیم؛ مدل ما زیباتر و واقعی‌تر می‌شود. انتخاب کاغذ باید از نظر رنگ و میزان استقامت، متناسب با شکل موردنظر باشد؛ اگر بخواهید شکل‌های بزرگ‌تر بسازید باید کاغذ مقاوم‌تر داشته باشید تا هنگام تا کردن تغییر شکل ندهد. ساخت یک طرح کاغذتا از یک کاغذ مربع شکل در ابعاد ۱۰*۱۰، ۱۵*۱۵، ۲۰*۲۰ که بسیار متداول هست، شروع می‌شود و با تا کردن‌های متفاوت به اشکال مختلف درمی‌آید. این هنر امروزه کاربردهای مهمی در کیهان‌شناسی، ریاضیات، مهندسی، معماری، هنر و صنعت پیدا کرده است، سن و سال نمی‌شناسد از یک کودک پنج‌ساله تا استاد دانشگاه را در برمی‌گیرد. درباره اینکه نخستین بار این هنر در کدام کشور آغاز شد اختلاف‌نظرهایی وجود دارد اما در اینکه این کاغذتا در ژاپن رشد و شکوفا شد، شکی نیست. در ژاپن عاقبت هر بچه‌ای ساختن پرنده دریایی را می‌آموزد.

«درنای کاغذی» معروف‌ترین سمبل کاغذتا است. پرنده‌ای در پس داستان غم‌انگیز زندگی یک دختر بچه ژاپنی که به نماد صلح تبدیل شد. الینور کوثر کسی است که با نوشتن کتاب «ساداکو و هزار پرنده دریایی کاغذی»، به این سمبل عمومیت داد. این کتاب، داستان دختر جوانی بنام ساداکو را بازگو می‌کند که در اثر تشعشعات رادیواکتیو بمب باران اتمی ژاپن توسط آمریکا در جنگ جهانی دوم، صدمه‌دیده بود. به او گفته شده بود که طبق یک افسانه ژاپنی، پرنده دریایی سمبل سلامتی است و اگر او بتواند هزار پرنده دریایی بسازد، حالش خوب خواهد شد. او روی بال‌های درنایش نوشته بود: «من صلح را روی بال تو می‌نویسم تا تو به همه جهان پرواز کنی».

ساخت پرنده دریایی کار ساده‌ای نبود، باین‌حال او دلیرانه مصمم شده بود که آن‌ها را بسازد. افسوس که بیماری‌اش توانش را به حدی کاهش داد که متأسفانه دیگر قادر نبود کار ساختن ۷۰۰ پرنده دریایی کامل شده را تمام کند. دوستانش بقیه درناها را ساختند و هر هزار درنا را با پیکر ساداکو به خاک سپردند. هرسال کودکان ژاپنی در سالگرد بمباران اتمی هیروشیما در کنار مجسمه ساداکو جمع می‌شوند و برای رسیدن دنیا به صلح و آرامش، هزار درنای کاغذی می‌سازند.

منبع: ایسنا و ویکی‌پدیا

مصاحبه با معلم خلاق مدارس عشایری آوای کوهستان

نویسنده

فاطمه رحمتی

گفتگو

چهارشنبه همین مسیر را کوهپیمایی می‌کردم؛ و تمام هفته در روستا بیتوته می‌کردم، این منطقه سردسیر بود و زمستان شاران را می‌توانید بپرسید که برف تا زانو بود، اما من و همکارم پیاده این مسیر را می‌رفتیم.

تدریس عشق در دل کوهستان

-چه پایه‌ای را تدریس می‌کنید؟

من ۶ پایه را باهم تدریس می‌کنم و مدرسه‌ای که من در آن مشغول هستم مختلط است.

-در عکس‌هایی که از فضای کلاس درستان در صفحه اینستاگرام، به اشتراک گذاشتید، از در بطری، برگ‌های پاییزی استفاده کردید، دلیل خاصی دارد؟

من به زیباسازی کلاس و آشنا کردن بچه‌ها، با حفظ محیط‌زیست خیلی اهمیت می‌دهم، همه کلاس را به کمک بچه‌ها با برگ چنار پوشاندیم، هم بچه‌ها همکاری را یاد گرفتند و هم وقتی بوی برگ‌های چنار داخل کلاس می‌پیچید، بچه‌ها لذت می‌بردند و این را به زبان می‌آوردند.

در مورد درب بطری‌ها، از بچه‌ها خواستم که درب بطری‌هایی که در منزل دارند یا در محیط می‌بینند را بیاورند و با چسب ولاستیک دورریز ماشین و قطعات چوب یک میز برای ایجاد گلخانه کلاس درست کردیم یا یکی از اشکال هندسی را با درب



اکنون بشنویم قصه، مشق عشق معلم کوهستان را:

-لطفاً در ابتدا خودتان را معرفی کنید:

محمد جامه هستم، متولد ۲۰ آذر ۱۳۶۰. ده سال سابقه تدریس در مدارس عشایری منطقه هلیلان رادارم، ساکن ایلام هستم و در حال حاضر، معاون آموزگار دبستان بعثت سرین هلیلان هستم.

-آقای جامه، چرا معلمی را انتخاب کردید؟

من عاشق پزشکی بودم، تمام دروس هم نمره بالا کسب کردم اما ریاضی من تعریف نداشت و وارد رشته انسانی شدم.

وقتی معلم شدم فهمیدم اشتباه می‌کردم، معلمی بهترین شغل دنیا است، چون با قلبت زندگی می‌کنی، اگر عاشق نباشی، نمی‌توانی ساعت‌ها برای رسیدن به مدرسه محل خدمت کوهنوردی کنی.



-گفتید که ساعت‌ها برای رسیدن به مدرسه محل خدمتتان کوهنوردی می‌کنید، بیشتر درباره مدرسه و مسیری که طی کردید توضیح می‌دهید؟

من ۷ سال از خدمتم را مدرسه میرزا کوچک خان جنگلی، روستای چالخشک بوده‌ام، چون دارای جاده مناسبی نبود، خودروام را در روستای شاران پارک می‌کردم و از کوه که تقریباً ۲ ساعت طول می‌کشید، روز شنبه با پای پیاده می‌آمدم و روز

هیس س.س! گوش کن در کوهستان، آوایی به گوش می‌رسد. بشنو آوای زندگی، از میان برف سفید زمستان شاران را، باز صدای قدم‌های کسی، در کوهستان پیچیده است، آهسته گام برمی‌دارد، اما مصمم است، پشت سرش را نگاه نمی‌کند، انگار باور دارد خدا دارد با او گام برمی‌دارد. گنجشکان کوهستان او را می‌شناسند، وبر فراز آسمان کوهستان، او را جیک‌جیک کنان می‌نگرند، درختان صدای نفسش را می‌شناسند و سنگ‌ها، صدای تپش قلبش را می‌فهمند.

آری، او یک معلم است.

با معلم کوهستان دهه شصتی، قدم بگذار در مسیر رسیدن به مدرسه عشق.

۲۰۰ کیلومتر باید از ایلام دور شویم و بعد از سه ساعت، به مقصد برسیم، مقصدی که سختی‌های راهش را باید تحمل کرد.

از خودرو که پیاده می‌شوید، می‌توانید تا رسیدن به مقصد اصلی یک ساعت و چهل دقیقه تا دو ساعت را کوهنوردی کنید؟

روستای چالخشک (دهستان زردلان هلیلان از توابع استان ایلام) را می‌بینید؟ اهالی‌اش را چطور؟ اهالی روستایی که زندگی را با امکاناتی همچون بلندی کوه‌هایش به‌سادگی می‌گذرانند، همان‌قدر ساده و صبور.



هستم، واقعاً از همسرم تشکر می‌کنم که همیشه جای خالی من را برای بچه‌هایم پرمی‌کند.

دریک قدمی مانده به انتهای همسفری با آقای جامه خواستم که صورشان را از محمد جامه درده سال آینده را بگویند:

خلاق تر ... خستگی‌ناپذیرتر ... مصمم‌تر...

در پایان سفر، معلم کوهستان لطفاً کلمات زیر را با یک کلمه یا عبارات کوتاه توصیف کنید:

معلم، محمد جامه، مدارس عشایری، تدریس چندپایه، دانش آموزان، دوره ابتدایی، مجازی (اینستاگرام)، همسران، دخترهایتان، کاردستی، طبیعت، کرونا

محمد جامه، معلم مدارس عشایری، نه از تدریس شش‌پایه خسته می‌شود و نه کاردستی و نه از آشنا کردن بچه‌ها با فواید طبیعت و... و تا روزی که زنده است، لطف و محبت همسرش و چشم‌های پر از خواهش دخترهایش را فراموش نمی‌کند.

توصیف بسیار زیبایی بود، ممنونم آقای جامه از صبر و حوصله‌ای که داشتید و وقت ارزشمندتان را در اختیار ما قرار دادید، با آرزوی سال‌های شاد و زیبا در کنار خانواده و دانش‌آموزانتان.

معلم کوهستان: متشکرم، من هم از شما همکار و خواهر عزیزم که من را لایق دانستید تشکر می‌کنم، فقط جای یک سؤال خالی بود:

اینکه خدای کوهستان چه رنگی است؟ خدای کوهستان همیشه آبی، آبی است.

ممنونم آقای جامه، سؤال فوق‌العاده‌ای بود.

و در آخر تشکر می‌کنم از آقای جامه که در نویسندگی متن که من را همراهی کردند.

ندارند، من در طول هفته، یک روزبه روستا می‌روم و با رعایت فاصله اجتماعی به رفع اشکال و پخش جزوه آموزشی بین بچه‌ها اقدام می‌کنم، این هفته هم رفتم و عکس‌هایش هم موجود است.

(آرزوی دانش آموزان کوهستان): اسم مدرسه را خواستم بگویم که ندانستم کدام را بگویم

این جمله زیباتر هست تا اسم مدرسه... چون شامل همه بچه‌های عشایر می‌شود

آرزوی داشتن یکدست لباس نو و زیبا... داشتن یک جاده آسفالت... داشتن یک دبیرستان برای ادامه تحصیل... شاید هم یک مسافرت بی‌دغدغه به یک شهر

خاطرات تلخ و شیرین معلم کوهستان ما

خاطره تلخم که مربوط به سال‌های اول خدمتم هست: یک روز در یکی از مدارس عشایری، مشغول درس دادن بودم، دیدم در حین تدریس، یکی از بچه‌های کلاس اول، صفحه کتاب را لیس می‌زد، وقتی به بالای سرش آمدم، دیدم عکس یک شیرینی که داخل کتاب بود را لیس می‌زد آن شب خیلی گریه کردم؛ و هفته بعد برای همه بچه‌ها شیرینی خریدم، باور نمی‌کنید چقدر خوشحال شدند. چون بیتوته می‌کردم، نمی‌توانستم همان روز برایشان شیرینی بخرم.

خاطره خوبم: این بود که یکی از دانش‌آموزانم، روز معلم با کاغذ، یک کاردستی که خودم یادش داده بودم برایم ساخته بود، خیلی لذت بردم.

در صفحه اجتماعی‌تان متوجه شدم پدر دو دختر هستید، آیا رفت‌وآمد و دوری از خانواده باعث دلسردی‌تان نشده؟ (کنجکاوی)

خیلی برای دخترهایم دلتنگ می‌شوم ولی من شغلم را با شرایط پذیرفتم، تحمل می‌کنم، هر چند که خیلی سخت است و... امیدوارم آموزش‌وپرورش شرایط بومی‌گزینی را اجرا کند، چون تمام هفته آنجا

بطری درست کردیم و به‌دیار کلاس می‌چسبانیدیم.

من به کاردستی علاقه زیادی دارم و این کار را در مدارس عشایری آموزش دادم و نمونه کار بچه‌ها موجود است.

کار خلاقانه دیگر ما، بازی با گل بود ما روز سه‌شنبه زنگ آخر، با گل مجسمه درست می‌کردیم، هم یک نوع حرفه بود و هم باعث پرورش قوای فکری و تمرکز و خلاقیت بچه‌ها می‌شد.

اغلب وقتی می‌دیدم که بچه‌ها کشش ندارند، یک زیرانداز برمی‌داشتیم و کنار سبزه زارهای مدرسه می‌نشستیم و باهم به خاطره گفتن مشغول می‌شدیم و اگر هم خوراکی داشتیم باهم می‌خوردیم.

-سختان با معلم‌هایی که معتقدند، خلاقیت و کارهایی که شما انجام می‌دهید، نیاز به هزینه دارد و اینکه وقت کم می‌آورند چیست؟ با توجه به اینکه شما شش‌پایه را تدریس می‌کنید.

بینید به نظر من این‌یک بهانه است، من دریک مدرسه عشایری این کارها را انجام دادم، با تدریس شش‌پایه، ما حتی پنجره و اسباب‌بازی برای زنگ تفریح داشتیم...

به نظر من، اگر انسان عاشق شغل و حرفه‌اش باشد و دانش‌آموزانش را مانند بچه‌هایش تصور کند، دنبال بهانه نمی‌گردد و کارش را شروع می‌کند. باور کنید کارهای خلاقانه در پیشرفت تحصیلی بچه‌ها، خیلی تأثیر دارد، بعضی همکاران اعتقاد داشتند، من برای چاپلوسی این کارها را انجام می‌دهم اما من فقط برای دل‌خوشی خودم و شادی بچه‌های کلاس این کارها را انجام دادم.

با توجه به شرایطی که ویروس کرونا برای ما رقم زد، تدریستان در این دوران به چه نحوی است؟

متأسفانه، این مدارس تحت پوشش شبکه اینترنت نیستند و اولیا هم وضع مالی مناسبی برای خرید گوشی اندروید



نگاهی به کتاب جدال دو اسلام

آخرین کتابی که، بنده در اوقات آزاد موفق به خواندن آن شدم، کتاب فوق‌العاده جذاب جدال دو اسلام تألیف امام خمینی(ره) بوده است. در مورد این کتاب می‌توان گفت که: کتابی است خواندنی و پرمحتوا که حضرت امام (ره) با نقدی مصححان و استادانه دو اسلام ناب محمدی و اسلام آمریکایی را با یکدیگر مقایسه نموده و جدال این دو اسلام را برای ما به‌طور فصیح شرح داده است.

این کتاب گزیده‌ای از جلد بیست و یکم صحیفه امام خمینی (ره) است. دارای دو بخش است که بخش اول مقالات و گفت‌وگوهایی است از وحید جلیلی (مدیر دفتر مطالعات جبهه فرهنگی انقلاب اسلامی) و محسن صفایی فرد (فعال فرهنگی) در تبیین اندیشه‌های امام و تشریح اسلام ناب محمدی و اسلام آمریکایی و بخش دوم حاوی مطالب مهم در آخرین سال‌های حیات ایشان است که به لحاظ تاریخی، فقهی، سیاسی و حوادث و اتفاقات دو سال آخر عمرشان بسیار مورد توجه است.

به فرموده امام اسلام ناب محمدی یعنی اسلام ظلم‌ستیز، اسلام عدالت‌خواه، اسلام مجاهد، اسلام طرفدار محرومان، اسلام مدافع حقوق پابرهنگان و رنج‌دیدگان و مستضعفان است، که در مقابل این اسلام امام اصطلاح اسلام آمریکایی را در فرهنگ سیاسی ما وارد کرد. اسلام آمریکایی یعنی اسلام تشریفاتی، اسلام بی‌تفاوت در مقابل ظلم، در مقابل زیاده‌خواهی، اسلام بی‌تفاوت در مقابل دست‌اندازی به حقوق مظلومان، اسلام کمک به زورگویان، اسلام کمک به اقویا، اسلامی که با همه این‌ها می‌سازد. این اسلام را امام نام‌گذاری کرد: اسلام آمریکایی.

کتاب جدال دو اسلام، کتابی است که در آن امام معیارهای اسلام واقعی را به زبانی ساده و روشن تبیین و تعیین نموده‌اند. پیشنهادم به دانشجویان پیروی خط امام این است که حداقل یکبار این کتاب معیار را مطالعه نمایند.



چارقد

امیر کرمی‌امین

نویسنده

مسئله حجاب و عفاف در ایران، نه با ورود اسلام و نه بعد از انقلاب ۵۷ رایج شده است؛ بلکه سابقه‌ی تاریخی در فرهنگ ایرانی دارد. اشعار شاعران ایرانی، گواه و بازتاب فرهنگ جامعه‌ی عصر خود بوده‌اند. در اشعار شاعران معاصر و کلاسیک نشان و ردپایی از مسئله حجاب و پوشش بانوان ایرانی در گذشته و دوران معاصر یافت می‌شود، که این نشانه‌ای از اهمیت موضوع و ریشه داشتن حجاب در فرهنگ و زندگی ایرانی بوده‌است. حکیم فردوسی، شاعر قرن چهارم ه.ق در اثر خود شاهنامه، این چنین به بیان وجود عفاف و حجاب در میان بانوان ایران باستان می‌پردازد:

از زبان منیژه دختر افراسیاب

منیژه منم دختر افراسیاب برهنه ندیده رُخم آفتاب

تهمینه در رستم

کس از پرده بیرون ندیده مرا نه هرگز کس آوا شنیده مرا

شرین در بارگاه شیرویه

مـــــرا از هنر موی بد در نهان که آنرا ندیدی کس اندر جهان

نه کس موی من پیش از این دیده بود نه از مهتران نیز پوشیده بود

عزت ملاابراهیمی و همکارانش اخیراً مقاله‌ای پژوهشی در باب حجاب در ایران باستان منتشر کرده‌اند. در این مقاله آمده است: «برپایه‌ی متون تاریخی در سلسله‌های مختلف ایران باستان، حجاب در میان زنان معمول بوده است. و این حقیقت روشن می‌شود با ورود اسلام به ایران حجاب وارد ایران نشده‌است؛ بلکه بانوان ایرانی از دوران باستان حجاب داشته‌اند و حجاب آنان با توجه به شرایطی اقلیمی، اجتماعی و کار و پیشه سبک خاصی داشته است.» در کل می‌توان گفت، نه با ورود اسلام و نه بعد از انقلاب مسئله حجاب اهمیت پیدا کرده‌است؛ بلکه از گذشته تا اکنون در فرهنگ ایران وجود داشته و شاهد مدعا کتب و اسناد تاریخی مانند: شاهنامه، مجسمه‌ها، نقوش باستانی و ظروف به جای مانده می‌باشد.

جنت الاعلی

قرآن کریم آداب و شعائر دینی را جزء خصوصیات همه‌ی ادیان و یکی از قدیمی‌ترین سنت‌های فرهنگی در هر جامعه می‌داند. به تعبیر قرآن کریم: «لِكُلِّ أُمَّةٍ جَعَلْنَا مَنْسَكًا هُمْ نَاسِكُوهُ» برای هر امتی عبادتی قراردادیم تا آن عبادت را انجام دهند».

چنانچه مردم شناسان نیز تأکید دارند، هیچ جامعه شناخته‌شده‌ای نیست که در آن نوعی مراسم و آیین‌های دینی وجود نداشته باشد. گیدنز معتقد است: «اساسی‌ترین تحولات فکری، ازجمله تصور زمان و مکان، نخستین بار برحسب مقولات مذهبی تعریف شدند» (مجله تاریخ اسلام شماره ۳۰۰)

در این میان مراسم عاشورا وضعیت خاصی دارد. عاشورا به یکی از عناصر فرهنگی ایران تبدیل شده است. از زمان آل‌بویه تاکنون، به‌جز چند سالی که این مراسم در دوران پهلوی اول تعطیل شد، پیوسته این مراسم برگزار شده است، به همین دلیل جز هنجارها، سنت‌ها و ارزش‌های نهادینه‌شده کشور ما است. نقش هیئت‌های مذهبی و جایگاه مردمی آن بر هیچ‌کس پوشیده نیست. شاید بزرگ‌ترین پایگاه دینی-ملی در جامعه اسلامی ما، هیئت‌ها و محافل مذهبی باشد. هرچقدر، قدر ارزش یک هیئت در میان مردم شناخته‌شده و والا باشد، میزان تأثیرگذاری آن بر مردم نیز بیش‌تر خواهد بود. (مجله دیدار آشنا)

یکی از افتخارات و سعادت‌مندی‌های بشر این است که خداوند متعال محبت اهل‌بیت و عصمت و طهارت (ع) را در دل محبین واقعی آن حضرات قرار داده است که در اینجا با حدیثی از امام صادق (ع) می‌توان این حقیقت را دریافت. امام صادق فرموده‌اند: «شیعیان ما از بقیه خمیرمایه اولیه آفرینش ما آفریده‌شده‌اند، ولایت ما در سرشت آنان عجین گشته است و آنان با خوشی ما خوشحال و با ناراحتی ما ناراحت‌اند». همچنین در حدیث دیگری از امام صادق آمده است که: «نفس کسی به خاطر ما اندوهگین شود، تسبیح است و اندوهش برای ما، عبادت است و پوشاندن راز ما جهاد در راه خدا است». سپس امام افزود: «این حدیث را باید با طلا نوشت». اما باز در این میان همه‌ی انبیا و اولیا ارادت و توجه خاصی به سیدالشهدا (ع) داشته‌اند تا آنجا که هرکدام تا بر مصیبت تعریف‌شده و وارد شده بر امام حسین (ع) گریه نمی‌کردند، رتبه و مقام نمی‌گرفتند. طبق آنچه در کتب شیعی آمده، اولین کسی که برای امام حسین (ع) اقامه عزا کرد، حضرت آدم (ع) بوده است.

به رکاب، به زندگی سالم

دوچرخه، یک وسیله‌ی نقلیه است که از بدنه‌ی فلزی، زین، اهرم، زنجیر و پدال تشکیل شده. اخیراً دوچرخه‌های برقی هم وارد بازار شده که به راکب در هنگام خستگی کمک می‌کند.

دوچرخه ارزانترین و کم خرج‌ترین وسیله‌ی نقلیه در جهان می‌باشد. بطوریکه علاوه بر ایاب‌وذهاب روزانه، برخی‌از گردشگرها، دوچرخه را به عنوان وسیله‌ی نقلیه سفر خود انتخاب می‌کنند. برای دوچرخه‌سواری فواید زیادی برشمرده‌اند؛ از جمله: فواید جسمی و روحی و زیست‌محیطی.

جالب است بدانید نیمی از شهروندان شهر کپنهاگ دانمارک، روزانه برای رفتن به محل کار خود و انجام رفت و آمدهای روزانه، از دوچرخه استفاده می‌کنند. قطعاً یکی از سیاست‌های جلوگیری از آلودگی بیش‌از حد هوا در کشورهای صنعتی، همین دوچرخه‌های اجاره‌ای و فرهنگ‌سازی استفاده از دوچرخه است. متأسفانه شهروندان ایرانی برای رفت و آمدهای روزانه خود تنها از وسایل نقلیه موتوری (اتومبیل، اتوبوس، موتورسیکلت)، استفاده می‌کنند.

حالا، بیاییم فواید اقتصادی دوچرخه را در نظر بگیریم. اگر از جمعیت ۸۰ میلیون نفری ایران، روزانه تنها ۲۰۰ هزار نفر از دوچرخه استفاده کنند، و بطور میانگین مانع مصرف ۴ لیتر بنزین در طول روز شوند، در ماه از مصرف ۲۴ میلیون لیتر بنزین جلوگیری می‌شود. همچنین با در نظرگرفتن بنزین لیتري ۳ هزار تومان، ۷۲ میلیارد تومان در ماه در جیب همین افراد پس‌انداز می‌شود.

حالا از دیدگاه زیست محیطی این قضیه را بررسی کنیم. با سوختن ۱ لیتر بنزین، حدود ۷۰۰ گرم کربنات با حدود ۱۷۰۰ گرم اکسیژن هوا ترکیب می‌شود و حدود ۲.۴ کیلوگرم گازکربنیک، تولید می‌شود. اکنون بر اساس فرض ما در کل کشور، اگر در طول یک ماه ۲۴ میلیون لیتر سوزانده نشود، از ورود ۵۷۶۰۰ تن گازکربنیک به هوا، تنها در یک ماه جلوگیری به عمل می‌آید!

پزشکان معتقدند که، دوچرخه سواری تأثیرات مثبتی بر جسم و روح انسان دارد. از مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به: قوی‌تر شدن ماهیچه‌های پا، سوزاندن چربی‌ها، سلامت قلب، کاهش استرس و اضطراب و تقویت حافظه اشاره کرد.

قیمت یک دوچرخه معمولی در ایران، حدود ۴ تا ۵ میلیون تومان و قیمت ارزانترین خودرو شهری ایران، حدود ۶۵ تا ۷۰ میلیون تومان است. یک فرد دوچرخه سوار هم مقدار بیشتری پول پس‌انداز می‌کند، هم حافظ سلامت خود و جامعه است.

در نهایت این شما هستید که برای زندگی سالم‌تر و پاک‌تر تصمیم خواهید گرفت.



مسجد تاریخی در دل کویر

هشت ستون بزرگ، شبستان کوچک و نمای بیرونی بنا یادآور معماری دوره‌ی ساسانیان است. منار گلی این مسجد، در قرن سوم به بنای اصلی اضافه شده‌است. در داخل مسجد، هیچ اثری از محراب، گنبد، کتیبه و کاشیکاری وجود ندارد.

مسجد جامع فهرج یزد، در استان یزد، روستای فهرج، در جنوب شرقی این استان قرار گرفته و قدیمی‌ترین مسجد ایران است که هنوز هم در آن نماز اقامه می‌شود.

این اثر در تاریخ ۳۰ آذر ۱۳۴۹ در فهرست آثار ملی ایران ثبت شده است.

مسجد جامع فهرج یزد، مسجدی متعلق به صدر اسلام است. ساخت این مسجد به نیمه‌ی اول قرن اول هجری برمی‌گردد. اما در حقیقت بر سر بنای این ساختمان اتفاق نظر وجود ندارد؛ بعضی از باستانشناسان ساخت آن را بعد از ورود اسلام به ایران می‌دانند و بعضی دیگر بر این باورند که، ساختمان اصلی بنا از آثار دوره‌ی ساسانی بوده که با ورود اسلام و در زمان خلیفه سوم، به مسجد تبدیل شده‌است.

این مسجد، تنها مسجدی در جهان اسلام با قدمت زیاد است که ساختمان آن از ابتدا تا کنون تغییری نکرده است.



لحظه‌هاک ناب وصال

قهر بودیم، درحال نماز خواندن بود. نمازش که تمام شد هنوز پشت به او نشسته بودم. کتاب شعرش را برداشت و با یک لحن دلنشین شروع کرد به خواندن. ولی من باز هم با او قهر بودم! کتاب را کنار گذاشت، به من نگاه کرد و گفت: غزل تمام...نمازش تمام...دنیا مات، سکوت بین من و واژه‌ها سکونت کرد! این بار هم سکوت کردم. گفت: عاشقم گر نیستی لطفی بکن نفرت بورز بی‌تفاوت بودنت هرلحظه آیم می‌کند. دوباره با لبخند پرسید: عاشقمی مگه نه؟... گفتم: نه!... گفت: لب‌ت نه می‌گوید و پیداست می‌گوید دلت آری... که این‌سان دشمنی یعنی که خیلی دوستم داری. در این لحظه زدم زیر خنده و روبه رویش نشستم. دیگه نتوانستم به او نگویم وجودش چقدر آرامش بخش هست. به او نگاه کردم و از ته دل گفتم: خدارو شکر که هستی.

منبع: <http://morovvat.blog.ir>

به نقل از همسر شهید بابایی

نواک دل

سلام آقا. سلام ای هستی عالم امکان، ای قرار دل‌های بی‌قرار، ای آرام خسته‌دلان. سلام بر آن غریبی که تائیه‌های زندگی از شرم غربتش، توان حرکت نداشته و دقیقه‌ها، چشم‌انتظار عبور آن‌ها، خسته و درمانده از ساعت‌ها عذرخواهی می‌کند. روزهای هفته با چه امیدی شوق سپری شدن دارند و باز صد هزار حیف که جمعه‌ها شرمسار از غروب بی‌طلوع طلعت دلربای تو، غمگین‌تر از همیشه میل تنهایی دارد و با چهره‌ای سرخ از شرمندگی با آسمان دل‌تنگی‌ها وداع می‌کنند و سربه‌زیری روند، اما باز دلواپس فردا، نزد ابرها شکوه می‌کنند که چرا بی‌رمق و سردند و از شمس عالمتاب دعوت به طلوع نمی‌کنند؛ اما ابرها بادل‌ی پر از غصه بغض‌کرده و از دو دیده خون‌بار، سیل اشک می‌بارند. آه آقا، چه دلگیر است، حال و هوای زمانه بی‌نعمت ظهورت. خوش به حال آن‌هایی که در سکوت نیمه‌های شب، با تو عاشقانه نجوا می‌کنند؛ و از مناجات با تو لبریز از رنگ ایمان و لذت بندگی می‌شوند، اما بیچاره من یادم رفته که بعد از خدا، بهترین مونس و همدل لحظات تنهاییم تویی و گوش‌نوازترین نوا، نواي تو و شیرین‌ترین کلام، کلام تو است.

راستی برای من چقدر سخت و سنگین است، لحظه قنوت و ربناي سحر تو که متن آن استغفار، برای من روسیاه باشد. خلاصه آقای مهربانی‌ها، مرا به خاطر این‌همه بی‌حیایی، بی‌وفایی و لکه ننگ روزگار بودن بخش و باز از سر لطف و کرم در نجوای نیمه‌شب دعایم کن.

آرزوی من این است که انشا الله به‌زودی در تقویم دل‌ها، زیر یک روز جمعه حک شود ظهور بقیه الله.

(اللَّهُمَّ عَجِّلِ الْوَلِيكَ الْفَرَجَ)



فراخوان همکاری با نشریه مدرسه کاغذی



دانشجویان و علاقه‌مندان به همکاری با نشریه "مدرسه کاغذی" می‌توانند مطالب و یادداشت‌های خود را به آیدی تلگرام @BDF_Admin ارسال نمایند؛ همچنین از میان دانشجویان کسانی که در زمینه عکاسی فعالیت دارند و مایل به چاپ عکس خود در صفحه اول نشریه دارند، می‌توانند تا ۳۰م ماه‌های اردیبهشت، مرداد، آبان و بهمن موضوع را در پیج اینستاگرام @mdrseh اعلام و به مدت یک هفته مهلت ارسال دارند و پس از داوری برترین عکس روی جلد نشریه قرار می‌گیرد.

